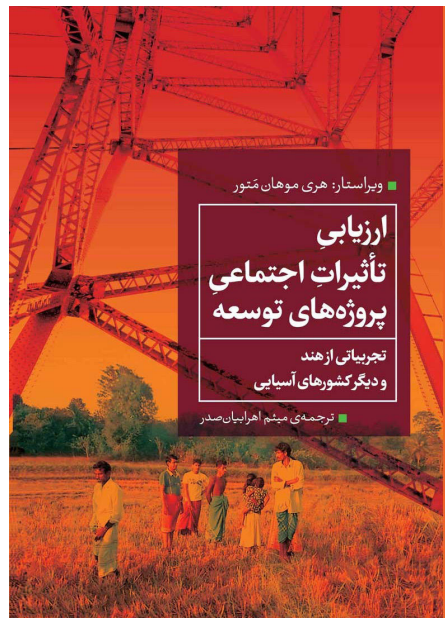


خلاصه کتاب



**ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه
تجرباتی از هند و دیگر کشورهای آسیایی**
تهیه و تنظیم: سیمین زمانی

خلاصه کتاب

ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه تجرباتی از هند و دیگر کشورهای آسیایی

تهیه و تنظیم: سیمین زمانی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، کارشناس مرکز ارزیابی تأثیرات اجتماعی جهاددانشگاهی
siminzamani1986@gmail.com

چکیده

کتاب ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه (تجرباتی از هند و دیگر کشورهای آسیایی) توسط هری موهان متور ویراستاری شده و میثم اهرابیان صدر آن را ترجمه کرده است. این کتاب از مجموعه کتاب‌هایی است که دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران بنا به ضرورت دسترسی به منابع و متون حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و خلأ این گونه مطالعات در حوزه مطالعات شهری با همکاری نشر همشهری در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسانده است.

این کتاب، چشم‌اندازی است به دغدغه‌ها و مسائل مرتبط با تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه در هند و دیگر کشورهای آسیایی از جمله بنگلادش، چین، لائوس، نپال، پاکستان و سریلانکا که می‌تواند منبعی مفید و ضروری برای دیگر حکومت‌ها، کارگزاران توسعه‌ی چندجانبه، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان توسعه، مجریان، محققان، مربیان، متخصصان محیط‌زیست، صاحب‌نظران علوم اجتماعی، مشاوران و فعالان دانشگاهی در دیگر نقاط جهان باشد. این کتاب در سیزده فصل نگاشته شده که در ۴ بخش (۱) چهارچوب، (۲) اتا؛ سیاست و عمل در هند، (۳) تجربه‌هایی در دیگر کشورهای آسیایی و (۴) کاهش آثار سوء اجتماعی دسته‌بندی شده است. فصل اول این کتاب به مقدمه و تاریخچه ارزیابی تأثیرات اجتماعی پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا)، آسیا، هند، پروژه‌های اسکان مجدد

فصل اول [مقدمه] کتاب به تاریخچه اتا پرداخته است. ریشه اتا به سال ۱۹۶۹ بازمی‌گردد، سالی که قانون سیاست ملی محیط‌زیست^۱ در آمریکا تصویب شد و توجه به مسائل اجتماعی را به‌عنوان بخشی از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی^۲ ضروری ساخت. اگرچه تا ۱۹۷۳ درک مختصری از توجه به مسائل اجتماعی وجود نداشت اما پس‌از این سال [۱۹۷۳] تأثیرات اجتماعی در مقام نوعی مسئله با روش‌شناسی خاص و زیربنای نظری شکل گرفت و مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی تعاریف گوناگونی از آن ارائه شد. برج و ونکلی^۳ اتا را فرایند برآورد و ارزیابی پیامدها و عواقبی که در پی پیشرفت پروژه یا اقدامات سیاسی خاص به‌ویژه در چهارچوب تدوین و تصویب سیاست‌های مناسب برای محیط‌زیست منطقه‌ای، استانی و ملی، رخ می‌دهد، تعریف کرده‌اند. همچنین مطابق با بررسی‌های انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات^۴، اتا شامل فرایند تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای منفی و مثبت اجتماعی مداخلات برنامه‌ریزی‌شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها، پروژه‌ها) و هر شکلی از روند تغییر اجتماعی است که چنان مداخلاتی را طلب می‌کنند. مقصود اصلی ارزیابی تأثیرات، فراهم آوردن محیط‌زیست بیوفیزیکی و انسانی پایدار و عادلانه‌تر است.

کشورهای در حال توسعه در دو دهه گذشته، سطح بالایی از رشد اقتصادی را تجربه کردند که پیش‌از این برایشان ناآشنا بوده است اما واقعیت این است که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان طی فرایند توسعه، خانه، وسیله معاش و زمین خود را ازدست داده و آواره شده‌اند. تخمین زده می‌شود در هند در طی ۶۰ سال گذشته، این پروژه‌ها [توسعه] ۶۰ میلیون نفر را از خانه و کاشانه خود آواره و در فقر مداوم فروبرده است. همین امر به اعتراضات گسترده منجر شد و سرمایه‌داران، حکومت‌ها و برنامه‌ریزان را وادار کرد تا پیامدهای اجتماعی احتمالی یک پروژه را پیش از آغاز اقدام در نظر بگیرند. البته مدت‌زمان زیادی است که از تجربه ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) گذشته است.

ارزیابی تأثیرات در هند تا همین اواخر هیچ‌گونه الزام قانونی نداشته است. از سال ۱۹۷۸، ارزیابی تأثیرات محیطی زیستی ساخت سدهای بزرگ آغاز شد که اغلب فاقد داده کافی برای شناسایی پیامدها بودند و اتا به‌عنوان بخشی از این ارزیابی‌ها محیط‌زیستی محسوب می‌شد. اتا توسط بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و سایر کارگزاران توسعه چندجانبه به هند ورود کرد. در واقع اتا

1- National Environmental Policy Act (NEPA)

2- Environmental Impact Assessment (EIA)

3- Burdige & Vanclay

4- International Association Impact Assessment (IAIA)

بیشتر در پروژه‌هایی اجرا می‌شد که این مؤسسات از آن‌ها پشتیبانی مالی می‌کنند. در سال ۲۰۰۷ هم‌زمان با سیاست توان‌بخشی و اسکان مجدد، استفاده از ارزیابی تأثیرات اجتماعی به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی، تحول نسبتاً جدیدی را در هند به وجود آورد.

فصل دوم کتاب به این موضوع اشاره دارد که اُتا در ابتدا به‌عنوان بخشی از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی بوده است اما امروزه به شکل فزاینده، مستقل از ارزیابی محیط‌زیستی قرار گرفته و پروژه‌های متنوعی نظیر پروژه‌های آبی، سدسازی، انرژی، بهداشت و فاضلاب، معدن، زغال‌سنگ، منابع حیاتی، سیستم حمل و نقل شهری، برنامه توسعه دامداری، پروتکل‌های امنیت زیستی و پروژه‌های حمایت از معیشت خانوارها را در برمی‌گیرد. در گذشته غالباً پروژه‌های توسعه بدون هیچ ملاحظه و درکی از تأثیرات منفی احتمالی باهدف ترویج پیشرفت و توسعه انجام می‌شد اما تنها دستاورد آن‌ها، برجای گذاشتن میلیون‌ها انسان فقیر بوده است. سد سردار سرور^۱ بر روی رودخانه نرمد^۲ نمونه‌ای از همین قبیل پروژه‌ها است که بر اساس گزارش مورس و برگر^۳ با توجه به عدم دسترسی به داده‌های اولیه از تعداد افراد تحت تاثیر پروژه، پس از نیم قرن اسکان مجدد این افراد هنوز ناتمام مانده است. دغدغه اُتا نجات افراد از آثار فاجعه‌بار پروژه‌های توسعه است و برحسب نوع تأثیرات برنامه‌ریزان در اقدامات مداخله‌ای با سه‌گزینه، تأیید، تعدیل یا رد مواجهه هستند.

اگرچه ارزیابی تأثیرات اجتماعی ایده جدیدی نیست و از همان ابتدای آغاز رشته علوم اجتماعی، دانشمندان این حوزه درگیر انجام اُتا بوده‌اند اما روایت است اولین اُتا در قرن ۱۹ توسط کندروسه^۴ با مطالعه یک کانال انجام شده است. در واقع اُتا با تحولات دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود. گروهی از دانشمندان اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ با حمایت کمیته بین‌سازمانی در باب اصول راهنما و قواعدی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی^۵ اصول و قواعد راهنما تدوین کردند. همچنین انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات کتابچه راهنمایی تحت عنوان قواعد بین‌المللی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی^۶، در سال ۲۰۱۵ باهدف رهنمودهایی در ارتباط با پیشرفت پروژه برای ذینفعان مختلف منتشر کرده است.

1- Sardar Sarovar dam

2- Narmada

3- Morse & Berger

4- Condorcet

5- Inter Organizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment

6- International Principles for Social Impact Assessment

پروژه‌های توسعه بر گروه‌های مختلف، تأثیرات متفاوتی دارد و این‌گونه نیست که همه اراضی تحت پوشش به یک شکل تحت تأثیر قرار گیرند. به‌طور مثال در پروژه سد سردار سرور، همان زمان که افراد ایلیاتی مادیا پرادیش^۱ آواره شدند، کشاورزان گجرات که منابع آبیاری را از این سد می‌گرفتند، از این پروژه بهره‌بردارند؛ بنابراین همه پروژه‌ها تأثیرات مشابهی را به همراه ندارند. پروژه‌های سدسازی نسبت به سایر پروژه‌ها، به‌واسطه آنکه ناحیه وسیع‌تری را در برمی‌گیرند، افراد و گروه‌های بیشتری را تحت تأثیر قرار می‌دهند درحالی‌که پروژه‌های ساخت بزرگراه، بخش محدودی از زمین‌های پیرامون پروژه را در برمی‌گیرند و با توجه به نظریه جهش ناگهانی ارزش ملک عموماً متفاوت است.

بانک جهانی، تأثیرات منفی و متداول پروژه‌های سدسازی و ذخیره آب را به شرح زیر بیان کرده است:

تصرف زمین برای سد و مخزن سد	جابه‌جایی ساکنان	شکاف میان اجتماعات
تأثیر بر خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی مجاور مخزن سد در فصل سیلاب (موقتی)	تأثیر بر دسترسی به ثروت و منابع مشترک (جنگل، محل چراگاه و... مجاور)	تأثیر بر وابستگی اجتماعات به جای خود مانده و جابه‌جاشده
اختلال در کار ماهیگیران و کشاورزان نواحی پایین دست سد	آلودگی‌های صوتی و محیط زیستی در زمان انجام عملیات عمرانی (موقتی)	ازدحام جمعیت و فشار بر زیرساخت‌ها در اجتماع میزبان پذیرنده جمعیت جابه‌جاشده
تأثیر بر بهره‌گیری افراد خارج محدوده مخزن سد از رودخانه	تأثیر بر زیرساخت‌های مرتبط با سد (راه‌ها، کانال‌های انتقال آب، اتاق برق، اجتماعات و محل استقرار کارگران و پیمانکاران و وام چاله‌ها)	تأثیر بر سلامت افراد (انتشار بیماری‌های ناشی از آب راکد مثل مالاریا)

Word Bank, 2004: 331

نمودار زیر تأثیرات احتمالی پروژه‌های توسعه که منجر به جابجایی ساکنان می‌شود را فهرست‌وار نشان می‌دهد:

تأثیرات بر زیرساخت ها و خدمات عمومی	تأثیرات اقتصادی	تأثیرات اجتماعی/فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> • ساختمان ادارات دولتی • ساختمان مدارس • بیمارستان ها • راه ها • روشنایی خیابان • آبخوری های عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> • از دست رفتن چاه‌ها، درختان و زمین‌های کشاورزی • از دست رفتن خانه ها و سایر ساختمان های مزرعه • از دست رفتن دسترسی به ثروت ها و منابع مشترک • از دست رفتن مغازه ها و ساختمان های تجاری • از دست رفتن مشاغل / حرفه ها • کاهش کلی درآمد بر اثر زیان های ذکر شده 	<ul style="list-style-type: none"> • شکاف در انسجام فرهنگی • گسستگی در سیستم های حمایت اجتماعی • افزایش وابستگی زنان به همسرانشان • از دست رفتن اماکن زیارتی قدیمی و مقدس • از دست رفتن محوطه های باستانی و سایر دارایی های فرهنگی

خطر فقیر سازی از جمله خطراتی است که در صورت عدم مدیریت صحیح پروژه، افراد متأثر از پروژه را با آن مواجه می‌سازد. سرنی^۱ هشت خطر عمده را در این خصوص شناسایی کرده است که همان تأثیرات منفی و مخربی هستند که در مطالعات اِتا باید پیش‌بینی شوند. اگرچه هنوز دستورالعملی برای بهره‌گیری از مدل خطرات در پروژه‌های اسکان مجدد در کتابچه راهنمای موسسه مالی بین‌المللی^۲ ارائه نشده است.

مدل خطر فقیر سازی سرنی

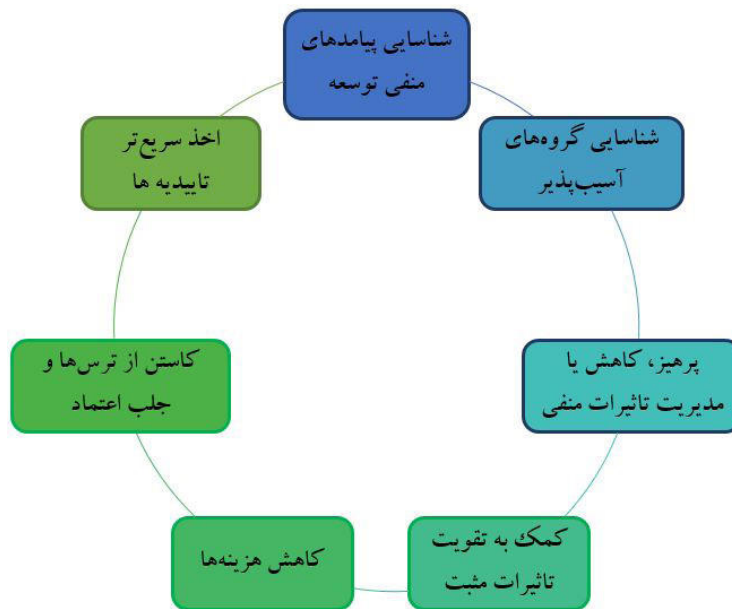


با توجه به اینکه تأثیرات پروژه‌ها از اجتماعی به اجتماع دیگر و حتی در یک اجتماع در زمان‌های مختلف، متفاوت است ایجاد فهرست واریسی از تأثیرات احتمالی به‌عنوان یک ابزار مطالعه اِتا را با خطر جدی مواجه می‌سازد زیرا این امکان وجود دارد که مشاوران به‌جای مراجعه به اجتماعات تحت تاثیر پروژه و فهم دغدغه‌ها و مشکلات، صرفاً به فهرست تأثیرات اکتفا کنند. البته برخی معتقدند فهرست واریسی می‌تواند برای مجریان آگاهی بهتری از گستره تمام تأثیرات احتمالی ایجاد نماید.

همان‌طور که بیان شد، مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی، تعاریف متعددی از مفهوم ارزیابی تأثیرات اجتماعی در دسترس است. کمیته بین

سازمانی در باب اصول راهنما و قواعد ارزیابی، اداره خدمات عمومی ایالت متحده^۱ و بسیاری از مدعیان این حوزه تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه کرده‌اند؛ اما نکته مهم در خصوص ارزیابی تأثیرات اجتماعی این است که این حوزه به همان اندازه که به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد باید تأثیرات و پیامدهای اقتصادی را هم در نظر بگیرد زیرا برخلاف تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، تأثیرات اقتصادی ملموس‌تر هستند.

همچنین بین دو مفهوم ارزیابی و ارزشیابی^۲ که اغلب به اشتباه به یک معنا به کار گرفته می‌شود، تمایز وجود دارد. ارزیابی مفهومی است که پیش از انجام کاری [اجرای پروژه] و به منظور تعیین مطلوبیت آن کار انجام می‌دهند، در حالی که ارزشیابی پس از تکمیل کار [اجرای پروژه] انجام می‌شود. در تصویر زیر فواید اصلی انجام یک ارزیابی نظام‌مند از تأثیرات اجتماعی آمده است.



روند انجام (مراحل) یک اتای جامع و کامل بر اساس نظر کمیته بین سازمانی در باب اصول راهنما و قواعدی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در جدول زیر آمده است:

1- Us General Services Administration
2- Evaluation

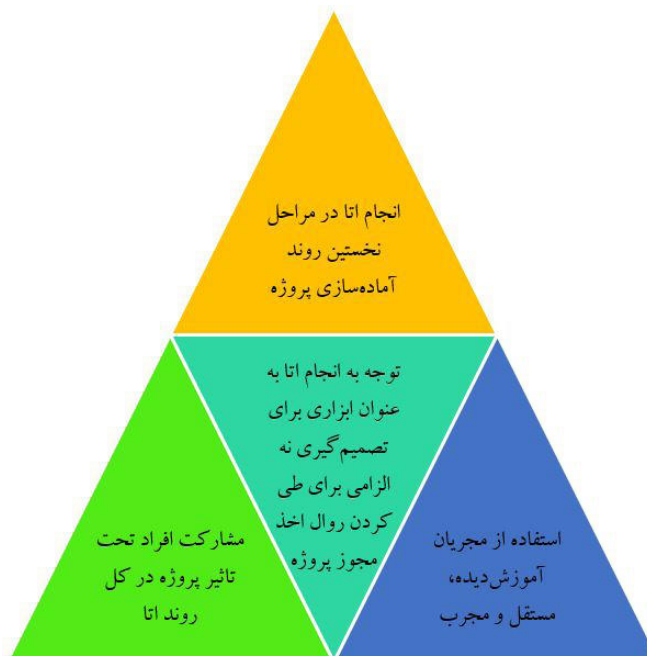
این محدوده به خود پروژه بستگی دارد، معمولاً پروژه‌های سدسازی محدوده جغرافیایی وسیع‌تری را نسبت به پروژه‌های ساخت بزرگراه یا پروژه‌های خطی تحت تاثیر قرار می‌دهد. گروه اتا باید با بازدید میدانی، نقشه محدوده متأثر (مستقیم و غیرمستقیم) را نشانه‌گذاری کنند	مرحله اول؛ تعیین محدوده تحت تاثیر پروژه
بررسی داده‌های ثانویه و جمع‌آوری داده‌های پراکنده کمک می‌کند تا گروه اتا بدانند به چه داده‌هایی باید از طریق پیمایش یا روش مشارکتی دست یابند.	مرحله دوم؛ شناسایی اطلاعات و داده‌های موردنیاز و منابع کسب آن
طرحی برای مشارکت همگانی و مؤثر با تمام ذینفعان (افراد، گروه‌ها و نهادهای تحت تاثیر پروژه)	مرحله سوم؛ شناسایی ذینفعان و اشتراک‌گذاری اطلاعات با آنها
روند اتا با غربالگری آغاز می‌شود. هدف از غربالگری تفکیک تأثیرات مهم از غیر مهم و مشخص کردن ماهیت و مقیاس مسائل است. این کار به تشخیص قلمرو اتای کمک خواهد کرد.	مرحله چهارم؛ غربالگری
بازدید از محل پروژه و گفتگو با ذینفعان به فهم مسائل کلیدی پیرامون پروژه به حذف یا کاهش دامنه سختی تأثیرات منفی کمک می‌کند زیرا دانش محلی اطلاعات گران‌بهایی را در اختیار گروه پژوهش قرار می‌دهد	مرحله پنجم؛ بازدید میدانی
ترسیم سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت تاثیر پروژه، این ترسیم نباید به افراد زیان‌دیده از پروژه محدود شود بلکه افرادی که به هر نحو از پروژه سود می‌بینند نیز باید ترسیم شوند.	مرحله ششم؛ توصیف سیمای اجتماع
در پروژه‌های اسکان مجدد این مرحله از این جهت اهمیت دارد که جامعه میزبان از نظر گنجایش زمین، تراکم جمعیت، فرصت شغلی و... ظرفیت جمعیت جدید را دارد. نکته مهم تشابه اقتصادی-اجتماعی جمعیت جدید با جامعه میزبان است.	مرحله هفتم؛ بررسی جامعه میزبان
پس از شناسایی تأثیرات، میزان اهمیت آنها باید تعیین شود. از آنجاکه تأثیرات، کیفی هستند امکان رتبه‌بندی آنها وجود ندارد، همچنین درک اجتماع تحت تاثیر با گروه اتا از تأثیرات لزوماً یکسان نیست، بنابراین باید در خصوص رتبه‌بندی تأثیرات از اجتماع تحت تاثیر نظر خواهی کرد.	مرحله هشتم؛ شناسایی و ارزیابی تأثیرات
اتا صرفاً تأثیرات را پیش‌بینی نمی‌کند بلکه ابزارهایی را جهت تسکین یا کاستن از شدت تأثیرات سوء را نیز شناسایی می‌کند.	مرحله نهم؛ ارائه کاربست

برای انجام اتا، گروه اتا باید از روش‌های متداول علوم اجتماعی آگاهی داشته باشد. در بیشتر موارد برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز باید از ترکیب روش کمی (پیمایش مربوط به تصرف اراضی، سرشماری و اجتماعی-اقتصادی) و روش کیفی (مصاحبه با مطلعان کلیدی، مصاحبه متمرکز گروهی، جلسات استماع عمومی) استفاده شود. انتخاب روش و ابزار به عوامل مختلفی (نوع پروژه، مقیاس، افراد تحت تاثیر، زمان و منابع در دسترس و...) بستگی دارد. با این توضیح باید گفت اتا علاوه بر داده‌های اولیه، به داده‌های ثانویه (داده‌های سرشماری دولتی، ثبت زمین، مطبوعات محلی، سایر موارد اجرایی ثبت‌شده،

متون مردم‌شناسی مربوط به اسکان مجدد، اسناد و مدارک سازمان‌های غیردولتی) نیز متکی است. در واقع بیشتر اطلاعات مرتبط به اتا از دل داده‌های اولیه (نحوه تملک زمین، سرشماری، بررسی فهرست دارایی‌ها و شرایط اقتصادی - اجتماعی و گفتگو با ذینفعان) بیرون می‌آید.

لازم به ذکر است، امکان وقوع اشتباهات در مطالعات اتا امری طبیعی است که اغلب به دلیل فشار کارفرما به گروه اتا رخ می‌دهد؛ زیرا کارفرما انتظار دارد در گزارش، تأثیرات منفی کم‌رنگ‌تر و مزایای پروژه پررنگ‌تر شده باشد. استفاده از مجریان لایق و شفافیت در روند اجرای اتا می‌تواند تا حدودی کارساز باشد. به علاوه این که حین فرایند ارزیابی از چه کسانی نظرخواهی می‌شود و چه کسانی ارزیابی را انجام می‌دهند، دو عامل مهم در تعیین نتایج یک ارزیابی است، استابینسکی^۱ در این خصوص بیان داشته است انجام اتا به صورت عینی و بی طرفانه تکرارپذیر نیست. به عبارت دیگر اگر دو مجری متفاوت ارزیابی تأثیرات اجتماعی یک پروژه را انجام دهند احتمالاً به نتایج متفاوتی دست می‌یابند.

در پایان این فصل با اشاره به محتویات و شاکله‌ی گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی، چهار مؤلفه بیان شده است که اگر به بخشی از فعالیت استاندارد اتا بدل شود، ارزیابی تأثیرات می‌تواند پیامدهای توسعه را به صورت قابل توجهی اصلاح کند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:



فصل سوم به کاربرد اِتا در برنامه‌ریزی اسکان مجدد پروژه‌های استخراج معدن پرداخته است. پروژه‌های استخراج معدن با سایر پروژه‌های منطقه‌ای (نظیر پروژه‌های سدسازی) شباهت (وسعت پروژه و آواره شدن تعداد زیادی افراد) دارد اما از برخی جنبه‌ها، تفاوت‌های چشمگیری دارند زیرا این پروژه‌ها، پروژه‌های بلندمدتی هستند که در طی یک دهه انجام می‌شوند؛ عموماً به سرمایه بخش خصوصی^۱ که گرایش و تفکر متفاوتی نسبت به بخش عمومی دارند، متکی هستند و دیگر وجه تمایز آن با سایر پروژه‌ها مجریان این پروژه‌ها است که به واسطه آنکه مهندس هستند، مسئله انتقال مؤثر یافته‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد.

به‌طور معمول، اسکان مجدد ناخواسته به سه دسته شهری^۲، خطی^۳ و منطقه‌ای^۴ تقسیم می‌شود. پروژه‌های شهری به سبب تراکم بالا، تنوع جمعیت و وجود زمینه و بستری که دچار تغییرات سریع می‌شود از سایر پروژه‌ها متمایز هستند. این پروژه‌ها موجب جابه‌جایی تعداد زیادی خانوار می‌شود و احتمالاً در مقایسه با دیگر پروژه‌ها تعیین مکان سرمایه‌گذاری‌های شهری موجد عوامل سیاسی بیشتری است. پروژه‌های خطی (پروژه‌های جاده‌سازی، خطوط حمل‌ونقل، خطوط لوله و کانال‌های اصلی آبیاری) که به گذرگاه بلند و باریکی از زمین نیاز دارند، شدت تأثیرات کمتری دارد. در مقابل پروژه‌های منطقه‌ای (سدسازی، معادن زغال‌سنگ و...) نواحی وسیعی را در برمی‌گیرند و برای اجتماعات محلی مزاحمت بیشتری ایجاد می‌کنند، نظام تولید را از بین می‌برند و موانع بزرگی را به کار احیای معیشت مردم تحمیل می‌کنند. اگرچه پروژه‌های استخراج معدن در این‌گونه شناسی نمی‌گنجد زیرا این قبیل پروژه‌ها، هر سه گونه را در برمی‌گیرد و این از دیگر وجوه تمایز پروژه‌های معدنی با سایر پروژه‌ها است. با توجه به آنکه انجام اِتا برای پروژه‌های معدن ضرورتاً مورد نیاز نیست، اما شرکت‌های معدن کار برای دریافت مجوز از اجتماع محلی اقدام به انجام اِتا می‌کنند. البته برخی از شرکت‌ها، برای کسب سرمایه بخش خصوصی از موسسه‌های مالی چندجانبه بین‌المللی نیز اقدام به انجام اِتا می‌نمایند.

هر شکلی از ارزیابی تأثیرات اجتماعی شامل مراحل مختلفی است. اِتا در پروژه‌های استخراج معدن دارای سه گام الزامی است که این سه گام عبارت است از:

۱- در هند با ابلاغ سیاست ملی معدن (National Mineral Policy) در سال ۱۹۹۳ بخش معدن نیز به روی سرمایه بخش خصوصی گشوده شده است.

2- Urban
3- Linear
4- Areal

الف) تعریف پروژه: نخستین گام در تحلیل تأثیرات اجتماعی، تعریف روشن و کامل از فعالیت‌های پروژه‌ها است. در حالت ایده آل برای شروع ارزیابی تأثیرات، طرح فنی و نهایی پروژه باید در دسترس باشد اما غالباً این اتفاق نمی‌افتد و این روند برای مجریان اتا عادی شده که در انتهای کار، طرح‌های مهندسی پروژه را دریافت کنند. با توجه به بازه زمانی، تعریف پروژه‌های استخراج معدن با مشکلات بزرگ‌تری مواجه هستند زیرا با توجه به بازه زمانی طرح‌های مهندسی این پروژه‌ها احتمالاً مرتب تغییر خواهند کرد؛ بنابراین ارزیابی اولیه باید روی نیازهای فوری و کوتاه‌مدت متمرکز شود و محوطه اولیه معدن، دفاتر کارکنان، نواحی مختلف کار و انبار، کارخانه‌های فرایندی و شبکه راه‌های ارتباطی در مطالعات اولیه، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

ب) تعیین محدوده پروژه: تعیین محدوده پروژه‌های توسعه به آسانی قابل تشخیص است اما در خصوص پروژه‌های معدنی نمی‌توان به‌طور دقیق مشخص کرد زیرا معمولاً تشخیص مکان سنگ‌های کانی و ارزش آن‌ها در طول زمان اتفاق می‌افتد. از این رو تحلیل‌گر اجتماعی باید توجه را معطوف به مناطقی کند که تصرف زمین قطعیت بیشتری دارد و بدترین سناریوی ممکن را در نظر بگیرد.

ج) اجرای ارزیابی تأثیرات اجتماعی: پس از مشخص شدن جنس فعالیت و محدوده تحت تاثیر، تحلیل‌گر اجتماعی می‌تواند به بررسی و شناسایی اقدام نماید. روند انجام اتا در پروژه‌های استخراج معدن همانند سایر پروژه‌ها بوده اما بسیار گسترده‌تر است، زیرا توسعه معدن نیازمند زمین قابل توجهی است و اغلب در نواحی روستایی اتفاق می‌افتد. اگرچه ابزار مورد استفاده در اتای پروژه‌های استخراج معدن همان ابزارهای مورد استفاده در دیگر پروژه‌ها است اما در پروژه‌های استخراج معدن و اسکان مجدد، مردم نواحی [روستا] تحت تاثیر، نیازمند تحلیل عمیق‌تر (تعداد افراد تحت تاثیر، تعداد ساختمان‌هایی که از بین می‌روند، الگوی رهبری و اقتدار، شبکه حمایت اجتماعی و...) است. به همین منظور بیان شده که ارزیابی تأثیرات همان قدر که علم و دانش است، هنر نیز هست.

ارزیابی تأثیرات و برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد در پروژه‌های استخراج معدن مشخصات خاص خود را دارد. یکی از این مشخصات، چرخه پروژه‌های معدنی در بخش خصوصی است، دغدغه مالی مدیران ارشد پروژه در هر مرحله (توسعه، عملیات و اتمام) متفاوت است. در مرحله اول به واسطه بازپرداخت وام‌های دریافتی، این تمایل وجود دارد که سریع‌ترین زمان، عملیات بهره‌برداری را آغاز نمایند در این مرحله زمان دغدغه مهمتری است. پس از گذر از مرحله و

آغاز عملیات که معدن در حال تولید است، ذهنیت‌ها معطوف افزایش سود تا بالاترین حد ممکن و کاستن از هزینه‌ها است و در مرحله پایانی که بودجه محدود شده است، باید تعهداتشان (مناسب‌سازی خاک مناطق حفاری شده برای کاشت و احیای پوشش گیاهی) را نیز عملی کنند. در بهترین حالت باید تعهدات به تدریج و در طی حیات پروژه پیش رفته باشد در حالی که غالباً به تعویق می‌افتاد. مشخصه دوم، بازه زمانی بلندمدت در این پروژه‌ها است که منجر به برخی مسائل می‌شود.

(۱) گرفتن اجازه اجتماعی برای عملیات و تلاش برای حفظ و تداوم آن: مجوز اجتماعی برخلاف دو مجوز دیگر (توافق‌نامه اعطای امتیاز بهره‌برداری و مجوز تأیید محیط‌زیستی) اگرچه غیررسمی است به همان اندازه واجد اهمیت است زیرا کار معدن نیازمند همکاری اجتماع محلی است. شرکت‌های معدنی معمولاً سه نوع اقدام عملی - فعالیت‌های مرتبط با اسکان مجدد^۱، فعالیت‌های مرتبط با توسعه اجتماع محلی^۲ و ایجاد بنگاه‌های توسعه بلندمدت برای سرمایه‌گذاری منطقه‌ای^۳ - حمایت مالی می‌کنند تا بتوانند مجوز اجتماعی کسب کنند.

(۲) توجه به نظارت به‌عنوان شکلی از ارزیابی مداوم تأثیرات اجتماعی برای برنامه‌ریزی اسکان مجدد: اگرچه ارزیابی تأثیرات در مرحله اولیه پروژه انجام می‌شود اما نباید با همان بررسی اولیه به پایان برسد؛ یعنی زمانی که پروژه در حال اجرا است باید یک نظارت اجرایی و مستقل بر فعالیت پروژه وجود داشته باشد. این ماهیت طولانی‌مدت بودن و نظارت اجتماعی اتا در پروژه‌های استخراج معدن، مشهودتر است.

فصل چهارم نیز به سیاست و قانون و تبدیل سیاست به قانون در ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌پردازد. ارزیابی تأثیرات اجتماعی انواع ارزیابی (اقتصادی، محیط‌زیستی، حوزه سلامت و دیگر اقسام) را در خود دارد. لزوم اخذ مجوزهای محیط‌زیستی و در پی آن ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی در سال ۱۹۷۸ در هند مرسوم شد و در سال ۱۹۹۴ با قید فوریت، تحت قانون حفاظت از محیط‌زیست (سال ۱۹۸۶)، به الزامی قانونی بدل شد که طیف وسیعی از پروژه‌های تجاری، زیرساختی و توسعه‌ای را در برمی‌گرفت. تشکیل کمیته‌ای متشکل از کارشناسان ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و عضویت یک کارشناس اجتماعی/اسکان مجدد

۱- به نقل مکان فیزیکی و جابه‌جایی اقتصادی مردم می‌پردازد.

۲- قصد دارند تا با سرمایه‌گذاری‌های ویژه که معمولاً اجتماعات محلی تعریف می‌کنند چتر حمایت اجتماعی را روی گستره وسیع‌تری از روستاها بگسترانند.

۳- بنیاد توسعه منطقه‌ای حامی برنامه‌ریزی طولانی‌مدت برای دورانی است که معدن دیگر بعد از آن کار فعال نخواهد بود.

از الزامات این قانون بود. این قانون حکم می‌کرد در صورت آواره شدن بیش از هزار نفر، برای اسکان مجدد طرحی جامع و برای جمعیت‌های کمتر از هزار نفر، طرحی خلاصه آماده شود. البته تا سال ۲۰۰۷ هیچ الزامی برای بررسی تأثیرات و پیامدهای پروژه‌ها در این کشور وجود نداشته است تا اینکه در این سال [۲۰۰۷]، صورت‌بندی و پذیرش خطی مشی ملی توان‌بخشی و اسکان مجدد^۱ نخستین سیاست مشخص بود که ارزیابی تأثیرات اجتماعی را در مقیاس ملی به‌نوعی الزام (نه الزام قانونی) بدل کرد. در این سند آمده، مطالعات اِتا باید در تمام پروژه‌های جاری یا از پیش موجود که قرار است بیش از دویست خانوار در زمین‌ها ناهموار یا ۴۰۰ خانوار در دشت‌ها را آواره کند، انجام شود. در این سند فهرستی از تأثیرات نظیر دارایی اجتماعی و عمومی، زیرساخت‌ها، راه‌ها، حمل‌ونقل عمومی، کانال‌های زهکشی، فاضلاب، منابع آب شرب سالم و احشام، چراگاه‌ها، کشتزارها، تأسیسات عمومی، ذخایر غذایی و... را ارائه کرده تا در مطالعات اِتا مورد توجه قرار گیرد. همچنین در این سند آمده است که اگر انجام ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی هم نیاز بود، باید این دو ارزیابی (ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی) هم‌زمان انجام شود و گزارش ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی باید به اطلاع مجری اِتا و برعکس گزارش اِتا به اطلاع مجری ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی^۲ برسد و جلسات دفاع (استماع عمومی) نیز برای هر دو ارزیابی صورت گیرد.

قانون: در سال ۲۰۱۳^۲ ضرورت انجام اِتا با تصویب قانون حق برخورداری از جبران عادلانه خسارت و شفافیت در تصرف زمین، توان‌بخشی و اسکان مجدد^۳ به یک الزام حقوقی و قانونی بدل شده است. بخش اول از فصل دوم این قانون، تحقیقات میدانی برای تعیین تأثیرات اجتماعی و فواید همگانی است که به این نکته اشاره دارد که قبل از تصرف زمین توسط دولت، باید مطالعات اِتا با مشورت پانچایات^۴ محلی یا شهرداری صورت گیرد و نتایج به‌طور عمومی اعلام شود. همچنین روند انجام اِتا طی شش ماه از زمان شروع کار کامل شود. بخش دوم از این فصل به سنجش گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی به‌وسیله گروهی از کارشناسان اشاره دارد. در این بخش تأکید شده است که گزارش اِتا باید به‌وسیله گروهی از کارشناسان (دو کارشناس علوم اجتماعی، دو نماینده پانچایات

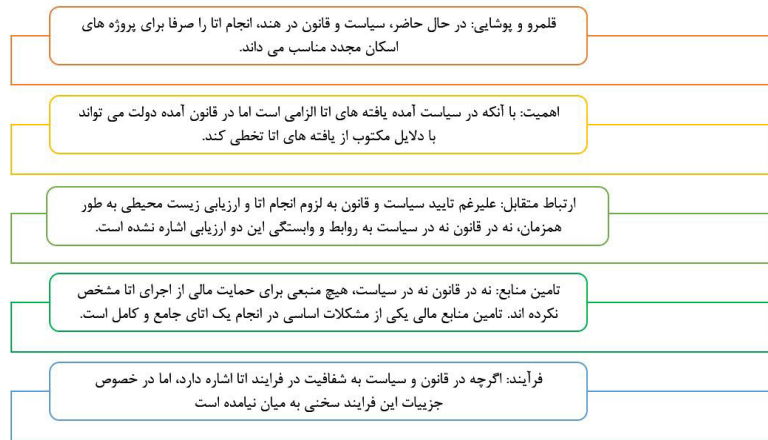
1- National Rehabilitation Resettlement Policy

۲- ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ (۴ مهر ۱۳۹۲).

3- Right to Fair Compensation and Transparency in Land Acquisition, Rehabilitation and Resettlement Act.

۴- شورایی متشکل از ۵ نفر که اداره امور روستا را بر عهده دارد.

یا شهرداری، دو کارشناس توان بخشی و یک کارشناس فنی آشنا با پروژه) که توسط دولت مرکزی یا محلی تشکیل شده‌اند، موردسنجش قرار گیرد و در صورت تشخیص این گروه به عدم فایده همگانی، بالا بودن هزینه‌های اجتماعی و تأثیرات اجتماعی منفی، پروژه باید منتفی اعلام شود. سنجش چهارچوب قانونی و سیاست مرتبط با ارزیابی تأثیرات اجتماعی دارای پنج جنبه زیر است:



در تصویر زیر به مشکلات احتمالی در مسیر فرایند اتا اشاره شده است:



رسیدن به یک جمع‌بندی درباره تأثیرات اجتماعی پروژه به دلیل نبود استانداردهای مشخص در این زمینه بسیار دشوار است. آموزه‌ای که بررسی تجربیات پیشین هند در زمینه ارزیابی زیست محیطی در اختیار ما قرار می‌دهد همین نکته [تعیین استانداردهای شفاف و واضح] است البته تعیین این استانداردها برای بسیاری از متغیرهای اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

فصل پنجم علاوه بر مطالعه موردی پروژه آبیاری سوکتل پایین در اوریسا^۱، به ساخت سدها و نادیده گرفتن پیامدهای آن می پردازد. سدها علی رغم فواید مشهودی چون تأمین برق، آب برای آبیاری و مصارف شهری و صنعتی و کنترل سیل، تأثیرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مخرب زیادی دارند. مطالعات گویای این حقیقت است که پروژه‌های سدسازی میلیون‌ها انسان را از خانه و سرزمین خود آواره کرده است و این گروه‌ها به ندرت توانسته‌اند به استانداردهای قبلی زندگی بازگردند. بر اساس کمیته جهانی سدها هنوز، تأثیرات منفی این پروژه‌ها مورد توجه قرار نمی گیرد. اوریسا در ساخت سدها سابقه طولانی دارد، سد هیراکود^۲، نخستین سد بزرگ هند، عواقب فاجعه باری برای قبایل اوریسا به ارمغان آورده است.

برنامه ریزان سد سوکتل هم مانند تجربیات گذشته بدون ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شیوه معیشت اهالی پیرامون سد را تحت تأثیر قرار دادند. هدف از این پروژه [پروژه آبیاری سد سوکتل] تأمین آب آبیاری و آشامیدنی برای بالانگیر^۳ (۳۱ هزار هکتار زمین) که در معرض خشک سالی بوده، است. در این پروژه ۱۶ روستا به طور کامل و ۱۰ روستا که حدود ۴۱۶۰ خانوار را در خود جای داده بودند، از بین می رفتند. بودجه این پروژه بر عهده دولت مرکزی بود و سرمایه خارجی در میان نبوده است. سرعت اجرای این پروژه به دلیل دشواری در تصرف زمین، مقاومت مردم و نبود بودجه بسیار کند بوده و فاصله زمانی بین تصرف زمین و اسکان مجدد علاوه بر ناامیدی ذی نفعان بالقوه و آوارگی تعداد زیادی از افراد، بار زیادی بر خزانه دولت تحمیل کرده است. در سال ۲۰۰۴ برنامه توسعه ملل متحد^۴ مطالعه‌ای را به منظور آماده سازی نوعی سیاست اسکان مجدد برای دولت اوریسا آغاز کرد. یکی از این مطالعات به پروژه سوکتل اختصاص داشت و هدف از آن فهم دیدگاه‌های مردم درباره پروژه بود. هر چند این پروژه تحت عنوان ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام نشد اما تا حدودی به یک اتای متعارف تبدیل شد اما در نهایت دولت نتایج این پژوهش را نادیده گرفت.

یکی از مهم ترین مشکلات در مسیر جمع آوری داده‌ها و اطلاعات در مطالعات میدانی پروژه سوکتل، عدم تمایل مردم برای همکاری به دلیل بی اعتمادی عمیق به دولت بود. مردم از ورود گروه پژوهش به روستاها جلوگیری و از این

1- Lower Suktel Irrigation Project in Orissa
2- Hirakud
3- Bolangir
4- UNDP

راه خشم خود را به دولت نشان دادند. یکی از سمن‌های محلی^۱ صراحتاً به گروه پژوهش گفته در صورتی که انتظارات اهالی را برآورده کنند به آن‌ها اجازه ورود به روستا را خواهند داد. از آنجا که یکی از اعضای گروه پژوهش از مأموران ارشد دولت اوريسا بود، اهالی فکر می‌کردند می‌توانند برای دستیابی به اسکان مجدد مناسب از آن استفاده کنند.

داده‌های دسته اول مبتنی بر پیمایش میدانی از روستاهای تحت تاثیر با استفاده از نشست، مصاحبه و بحث گروهی متمرکز با مردم روستا، مؤسسات موجود (سمن‌ها، دفاتر نمایندگی پانچایاتی راج و...)، کارمندان دولت در سطح محلی، مسئولان عالی‌رتبه و... جمع‌آوری شده است. منبع اصلی اطلاعات، خانواده‌های تحت تاثیر بوده که با استفاده از مصاحبه عمیق، جنبه‌های مختلفی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی (ویژگی‌های جمعیتی، الگوی شغلی، پیشینه تحصیلی، مالکیت و دارایی‌ها، الگوی درآمد خانوار، بهره‌گیری از کمک‌هزینه جبرانی توان‌بخشی، مشکلات حین پروژه و درک آن‌ها از رفاه و زندگی خوب قبل و بعد از پروژه) را منعکس کرده‌اند. علاوه بر این داده‌ها، اطلاعاتی از منابع ثانویه استخراج شده است.

در توصیف سیمای اجتماع این پروژه آمده، در بررسی میدانی در ۱۰ روستا (۵ روستا که کاملاً تحت تاثیر پروژه بودند و ۵ روستا تا حدودی) با ۲۴ خانوار مصاحبه شده است. در این پروژه ۵۲۱ نفر (۲۴۸ خانوار) آواره شده‌اند که حدود ۲۰ درصد از آن‌ها اعضای فرودست جامعه، ۲۹ درصد به فرودست‌ترین کاست، ۴۶ درصد به سایر کاست‌های واپس مانده تعلق داشتند. ۸۸ درصد از آوارگان در سن کار (۶۰-۱۸ سال) و ۹۰ درصد زنان درگیر در پروژه بی‌سواد یا کم‌سواد (ابتدایی) بودند. ۵۰ درصد جمعیت در مناطق پروژه کشت و کار، ۳ درصد به گردآوری محصولات جنگلی، ۱۰ درصد حرفه و مشاغل خدماتی، حدود ۹ درصد به خرید و فروش و تجارت مشغول و ۱۵ درصد نیروی کار مزدبگیر بودند. ۵۵ درصد از خانواده‌های تحت تاثیر خانواده گسترده و ۴۴ درصد خانواده هسته‌ای هستند. برآورد شده که اکثر آوارگان (۷۲ درصد) بین ۷۵ تا ۱۰۰ درصد از زمین‌های تحت تملک خود را از دست خواهند داد و همچنین پس از جابه‌جایی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد درآمدشان کاهش خواهد یافت. نتایج این بخش از مطالعات نشان داده وضعیت بهزیستی اقتصادی و توسعه انسانی جمعیت ساکن در منطقه پایین است و مسلماً جابه‌جایی ناشی از پروژه، آسیب دیگری (از دست دادن زمین، کاهش درآمد و...) به این جمعیت وارد خواهد کرد. در نهایت لازم به ذکر است هزینه‌های پروژه سدسازی سوکتل که در دهه

۱- آنچل سلنکارشا سامیتی نام این سمن معترض به ساخت سد بود.

۱۹۹۰ آغاز و تا ۲۰۱۳ متوقف شده، طی این ۱۳ سال به شدت افزایش یافته و اعتراضات مردمی که بیش از یک دهه به طول انجامید، دیر فروکش کرده است. اگرچه مطالعات نشان داده مردم پیرامون پروژه هنوز مخالف هستند.

فصل ششم به چالش‌های بازسازی ساختمان‌های مسکونی و تجاری در پروژه‌های حمل و نقل شهری بمبئی^۱ پرداخته است. چالش‌های به وجود آمده در این پروژه به آن دلیل بوده است که اداره توسعه منطقه‌ای کلان‌شهر بمبئی، مسئولیت انجام بررسی‌ها را به سمن‌های محلی به‌ویژه جمعیت ارتقا^۲ و جمعیت توان‌بخشی^۳ که توان و ظرفیت لازم را نداشتند، سپرده شده بود. ارزیابی اولیه (قبل از پروژه) نتوانسته فهرست دقیقی از پیامدهای احتمالی تهیه نماید. این فصل، از گفتگو با افراد تحت تأثیر پروژه بین سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۵ به دست آمده و به نقایص ارزیابی پایه (قبل از پروژه) اشاره کرده است.

از نظر برنامه‌ی اقدام برای اسکان مجدد که بر عهده اداره توسعه منطقه‌ای کلان‌شهر بمبئی بوده، ۹۹ درصد از خانواده‌های ساکن در پروژه حاشیه‌نشین و ۴۰ درصدشان زیر خط فقر قرار داشتند. اگرچه این آمار نادرست بوده و اغلب ساکنان مالک خصوصی و ساکنان دیگر به گروه متوسط درآمدی تعلق داشتند. این اشتباه ناشی از به‌کارگیری بررسی‌های اجتماعی-اقتصادی قدیمی بوده است. جمعی از افراد متأثر از پروژه، شکایت رسمی خود را به دولت ارائه و پس از عدم رسیدگی، شکایت را به هیئت بررسی بانک جهانی ارائه کردند. عمده این شکایت‌ها به این دلیل بود که سایت اسکان مجدد به‌قدری دور بوده که دیگر امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و منابع معیشت پیشین وجود ندارد مشاغل مزدی تکمیلی که عموماً به زنان تعلق داشته از بین رفته است. عدم توجه به جبران خسارت، سایر حقوق از جمله حق مسکن (مساحت‌های عرصه‌های مسکونی قبل از جابه‌جایی و هم‌عرض نبودن مساحت واحدهای مسکونی جدید با واحدهای پیشین)، نبود اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح از اهداف دولت، کیفیت پایین ساختمان‌ها از دیگر دلایل شکایت آن‌ها بوده است.

کار توان‌بخشی و اسکان مجدد خانواده‌های متأثر از پروژه، مطابق با سند سیاست توان‌بخشی و اسکان مجدد پروژه انجام شده، هدف اصلی سیاست

1- Mumbai Urban Transport Project

۲- جمعیتی برای ارتقای مرکز منابع منطقه‌ای / فدراسیون ملی زاغه‌نشین‌ها (Society for Promotion of Area Resources centre / National Slum Dwellers Federation)

۳- جمعیت توان‌بخشی زاغه‌ها (Slum Rehabilitation Society)

این بود که با بینوا سازی افرادی که به طور اجبار جابه جا می شوند مقابله نماید یا حداقل استانداردهای زندگی شان را به اوضاع ماقبل پروژه بازگرداند. این سیاست افراد تحت تاثیر را به دو دسته کلی تقسیم کرده بود. گروهی نسبت به ساختمان و زمین خود حق قانونی داشتند یعنی مدرک و سند قانونی (ساتبارا) در اختیار داشتند و گروهی که از این حق محروم بودند و در دسته زاغه نشینان یا حاشیه نشینان دسته بندی می شدند. مطابق با این سیاست تنها گروه اول حق داشت گرامتی معادل با تراکم ساختمانی که به پروژه تحویل داده شده بود، دریافت کنند و دسته دوم به دلیل اینکه عرصه و اعیان مسکونی شان معلق به جاده و راه آهن بود، بدون در نظر گرفتن تراکم ساختمان شان، فضای ۲۱ متری را به عنوان گرامت دریافت کنند.

گرامت ساختمان های تجاری که در گروه دوم [زاغه نشینان، حاشیه نشینان] قرار داشت نیز تا سقف ۲۱ متر مربع بدون هیچ هزینه ای گرامت داده می شد. اگرچه صاحبان فروشگاه های بزرگ (سنگ مرمر و کاشی کف، قطعات یدکی، اتومبیل، چاپ نقش و نگار البسه، انبارهای چند منظوره و رستوران) فعال در پیرامون پروژه به این سیاست اعتراض داشتند و از آنجاکه با پادمان های بانک جهانی در خصوص اسکان مجدد ناخواسته در تضاد بود دولت مهاراشترا مکانیسم ترمیمی در نظر گرفت به این صورت که صاحبان این مشاغل، همان تراکم را تا سقف ۷۰ متر مربع با نرخ اداره توسعه منطقه ای خریداری کنند. هرچند با توجه به کمبود اماکن تجاری در سایت اسکان مجدد این مکانیسم صرفاً در حد سیاست گذاری بود. به علاوه با توجه به نحوه قرارگیری مغازه ها در سایت اسکان مجدد (در انتهای سایت و عدم دسترسی به مشتری) افراد نسبت به کاهش فروش اجناس مغازه و تأثیر جایگذاری مغازه در احیای معیشت خود با اداره توسعه منطقه ای مشاجره داشتند.

همچنین گروه اول به واسطه آنکه معتقد بودند سیاست توان بخشی و اسکان مجدد ساختمان های آنها را در دسته زاغه نشین یا حاشیه نشین قرار داده، از این برنامه ناراضی بودند. در نتیجه سیاست توان بخشی موجب خسارت ناگهانی و پیش بینی نشده به دارایی های افراد بسیاری شد. متأثران پروژه از اینکه اطلاعات پروژه به اطلاع عموم نرسیده بود، معترض بودند. یکی از کارکنان سمن های محلی در خصوص مشکلات پیش آمده در رابطه با پروژه گفته است وضعیت زمین ساختمان های در معرض پروژه به صورت مورد به مورد بررسی نشده است در حالی که سمن ها به هیئت بررسی [بانک جهانی] گفته اند که مالکان، از ارائه سند رسمی خود به عوامل بررسی امتناع کرده اند. در حالی که اهالی بیان داشتند که سمن ها در مورد هدف بررسی و

یا حتی اهداف پروژه چیزی به آن‌ها نگفته‌اند و آن‌ها تصور می‌کردند که این مراجعه و بررسی از سمت اداره درآمدها باشد.

کیفیت ضعیف ساخت‌وساز که با اولین بارش موسمی دچار نشستی، شکاف و ترک شدند و مشکلاتی که در خصوص فاضلاب، تأمین آب، زباله‌های جامد، آسانسور، برق و دیگر امکانات به وجود آمده بود و همچنین هزینه نگهداری بالا و مالیات بر دارایی از مسائل پس از جابه‌جایی در سایت اسکان مجدد بوده است.

با وجود آنکه سیاست توان‌بخشی و اسکان مجدد دولت مهاراشترا، در نظر داشت تمام خانواده‌های متأثر از پروژه خانه‌دار شوند، چندان موفق نبود. بر اساس گفتگوی نویسندگان بین سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶، با وجود ممنوعیت ده‌ساله معامله واحدهای واگذارشده، گزارش‌هایی مبنی بر اجاره و فروش به صورت وکالتی وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد برای جلوگیری از سوء استفاده‌هایی تحت عنوان باز کردن راه پیشروی پروژه از مسکن رایگان، دولت مهاراشترا اقداماتی مؤثر نظیر، برقراری پیوند میان اجاره‌نامه و کارت آدهار یا برنامه‌ی اداره‌ی هویت انحصاری هند در دولت مرکزی که بر مبنای شناسایی بیومتریک هر فرد در نظر بگیرد.

فصل هفتم، ارزیابی تأثیرات اجتماعی را با چشم‌انداز جنسیتی بررسی کرده است. آن دسته از پروژه‌هایی که منجر به جابه‌جایی و اسکان مجدد می‌شوند تأثیرات منفی بسیاری به جای می‌گذارند هر چند این تأثیرات برای زنان و مردان شکل یکسانی دارد اما زنان فشار بیشتری را تحمل می‌کنند ولی در مقابل بهره کمتری از منافع و مزایای پروژه‌های توسعه نصیب آن‌ها می‌شود. مهتا^۱ بیان داشته که سوگیری‌های جنسیتی مردانه به دو شکل منفی بر زنان تأثیر می‌گذارد. نخست، این خصلت فراگیر در اجتماع هند به تداوم نابرابری جنسیتی از این جهت که به تخصیص و توزیع منابع به شکل نابرابر و سرپوش گذاشتن بر علایق زنان مشروعیت می‌بخشد، کمک می‌کند؛ دوم آنکه سوگیری‌ها و جانبداری‌ها که درون سیاست، ساختارها و نهادهای دولتی وجود دارد به تداوم نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند. بر اساس مدل سرنی (در فصل دوم به آن پرداخته شده است)، زنان و مردان، تحت تأثیر پروژه‌های توسعه قرار می‌گیرند با هشت خطر مواجه هستند، اما به دلیل آنکه جمعیت تحت تأثیر یکپارچه نیستند و از نظر ویژگی‌های فرهنگی، توانمندی، علایق و... ناهمگن هستند به شکل‌های مختلفی آسیب می‌بینند.

نتایج پیمایش خانوار پروژه آبیاری کریشنا بالاً^۱ نشان داده که آوارگی، زنان را بیشتر از مردان آزار می‌دهد، زیرا آن‌ها تصور می‌کنند درآمد شخصی مازاد، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، درآمد ناشی از زراعت و دامداری و... کاهش یافته است و کیفیت زندگی آن‌ها نسبت به قبل بدتر شده و در نتیجه کمتر از گذشته احساس خوشحالی می‌کنند.

مطالعات دیگر تفاوت تأثیرگذاری این پروژه را در زنان و مردان تأیید می‌کنند؛ اما داگامور (۲۰۰۳) نشان داده این تأثیرگذاری همیشه و همه‌جا در زنان یکسان نیست که دلیل آن همان ناهمگونی، تفاوت در پیش‌زمینه اجتماعی، اقتصادی و... است. اگرچه در اغلب جوامع منزلت زنان از مردان پایین‌تر است اما زنان در اجتماعات ایلی نسبت به هم‌تایان خود در اقشار بالا از منزلت بالاتری برخوردارند؛ زیرا ایلیاتی‌ها به منابع مشترک دارای وابسته زیادی دارند بنابراین زنان نقش مهمی در نگهداری منابع، زمین، جنگل، علوفه ایفا می‌کنند اما این زنان که هویتشان بر تولید مبتنی است در سراچه‌های اسکان مجدد احساس بیگانگی می‌کنند و به‌شدت آسیب می‌بینند. به همین دلیل ارزیابی باید به تأثیرات متفاوتی که پروژه بر گروه‌های مختلف زنان وارد می‌کند، توجه نماید.

مطالعات مختلف طیف گسترده‌ای از تأثیرات اجتماعی پروژه‌های اسکان مجدد که به زنان آسیب می‌زند را ثبت کرده است. این تأثیرات عبارت است:

- ۱- مالکیت و غرامت زمین: اگرچه زنان به‌ندرت صاحب زمین و ملک هستند به این دارایی‌ها دسترسی و بر روی آن‌ها کنترل داشتند. زنان در امور کشاورزی (کاشت، وجین، خرمن‌کوبی برداشت) مشارکت می‌کنند و باز دست رفتن زمین‌های کشاورزی کنترل سنتی خود را بر زمین و سایر دارایی‌های از دست می‌دهند. همچنین سوگیری‌ها و سیاست‌های مردانه، زنان را از داشتن زمین و منابع محروم می‌کند زیرا مبلغ غرامت تنها به مردان پرداخت می‌شده که این امر به زنان به‌ویژه زنان مجرد و تنها، مطلقه یا بیوه به‌شدت آسیب می‌زند؛ بنابراین یکی از نمونه‌های بارز نابرابری جنسیتی در اسکان مجدد، مسئله غرامت و جبران خسارت است.

- ۲- منابع مشترک دارایی: یعنی همان محصولات خودرو در جنگل و یا آن چیزی که آزادانه در محیط روستا در دسترس است و فرصت‌هایی را برای کسب، افزایش و ذخیره درآمد را برای زنان فراهم می‌آورد. زنان ساکن در مناطق روستایی به‌ویژه ایلیاتی‌ها با جابه‌جایی در پروژه‌های اسکان مجدد این فرصت را از دست می‌دهند. نمونه این تأثیر در پروژه سردار سرور در

گچرات مشهود بوده، در غیاب دسترسی به جنگل در این پروژه زنان دریافتند که برای سوخت باید به بازار متکی باشند که این موضوع بار مالی زیادی را به خانواده‌ها تحمیل کرد.

۳- فرصت‌های معیشتی: به واسطه نقص در برنامه‌های اسکان مجدد، اسباب تأمین معیشت در پروژه‌های اسکان مجدد از میان می‌رود. در زمان تنگنای مالی، زنان مجبور می‌شوند برای کار فصلی به مکان‌های ناآشنا مهاجرت کنند. این غیبت‌های طولانی و دو ماندن از خانه پیوند خانوادگی را سست می‌کند.

۴- تأثیرات اجتماعی-اقتصادی: هرگز نباید تأثیرات اجتماعی-اقتصادی آوارگی بر زنان نادیده گرفت. در پروژه نیروگاهی فوق حرارتی تالچر^۱ هم‌زمان با دریافت غرامت، نرخ جهیزیه به رقمی بالاتر از حد معمول رسید و خانواده‌ها با عجله برای ازدواج دختران خود- حتی دختران زیر سن ازدواج- اقدام کردند.

۵- تخریب شبکه‌های اجتماعی- محلی: یکی از شدیدترین تأثیرات منفی اسکان مجدد، تخریب و از کار افتادن اجتماعی محلی و شبکه‌های اجتماعی بود. زنان بیشتر از مردان به این شبکه‌ها وابسته بودند و در بسیاری از موارد چون نگهداری کودکان از آن کمک می‌گرفتند. با توجه به اینکه اجتماعات در مقام یک کلیت اجتماعی به یک مکان منتقل نمی‌شدند و به‌طور تصادفی پخش می‌شدند، امکان حفظ روابط قدیمی غیرممکن بود.

۶- افزایش خشونت خانگی: مردان با دریافت غرامت، بیشتر از زمان‌های دیگر به قمار و نوشیدن الکل می‌پرداختند و بدون توجه به تعهدات خانوادگی، تمام پول خود را از دست می‌دادند. سرینیواسان، یکی از مشکلات بزرگ اهالی آواره هزار گنج^۲ در بهار^۳ (چهار کند^۴ فعلی) را استفاده بیش از اندازه از مشروبات الکلی بیان کرده است که همین امر منجر به بروز تنش و حتی خشونت در خانواده شده است.

۷- سلامت و تغذیه: نمونه پروژه‌های معادن سنگ آهن بولانی^۵ در کریشنای بالا و پروژه بندر جواهر لعل نهرو، نشان داده، آوارگی عمده‌ترین تأثیرات منفی را روی سلامت و تغذیه زنان برجای می‌گذارد. همچنین مطالعات آثار پردایش بیانگر آن است روستاهایی که در مجاورت کانال میرات قرار داشتند، بیشتر از سایرین به مالاریا مبتلا شدند.

1- Talcher Super Thermal power Project
2- Hazariganj
3- Bihar
4- Jharkhand
5- Bolani

۸- آموزش: به سبب اسکان مجدد دسترسی به مراکز آموزشی برای کودکان از بین می‌رود و دختران بیش از پسران مجبور به ترک تحصیل می‌شوند

۹- تأثیرات ناشی از قوانین و سیاست‌های ناقص: در قوانین و سیاست‌ها همیشه جانبداری و سوگیری جنسیتی وجود دارد و بسیاری از تأثیرات منفی بر زنان ناشی از این سوگیری‌ها است. نمونه بارز این تبعیض، غرامتی است که بابت تصرف اراضی به مردان پرداخت می‌شود. نمونه‌هایی از این دست بسیار زیاد است.

در سال‌های اخیر، ردپای پرداختن به نگرانی‌های جنسیتی در سیاست‌های اسکان مجدد به چشم می‌خورد، سیاست ملی توان‌بخشی و اسکان مجدد در سال ۲۰۰۷ نمونه‌ای از این نگرانی‌ها است.

دستورالعمل‌های دقیق بین‌المللی در خصوص انجام اتا از قبل وجود دارد اما لازم است، تأکید بیشتری بر جنبه‌های جنسیتی شود. نکات زیر می‌تواند این واقعیت را ملموس‌تر بازتاب دهد.

اغلب، داده‌های دقیقی از تعداد افرادی تحت تأثیر پروژه در دسترس نیست، دسترسی به داده‌های جنسیتی مسلماً در دسترس نخواهند بود بنابراین توصیه می‌شود در نقطه آغاز انجام اتا، داده‌ها به لحاظ جنسیتی (تعداد و سن زنان تحت تأثیر پروژه، تعداد سرپرستان زن خانوار، تعداد زنان مجرد، وضعیت دارایی و مالکیت زمین زنان، منابع معیشت زنان، سهم زنان از درآمد خانوار، مهارت زنان، جمعیت دختران در سن تحصیل، وضعیت اشتغال زنان و...) دسته‌بندی شوند	داده‌های بسته‌بندی شده‌ی جنسیتی
تجربه نشان داده است روش‌های کمی و پیمایش به‌تنهایی کفایت لازم را در شناسایی تأثیرات ندارند. به همین دلیل باید از ابزارهای کیفی مانند مصاحبه عمیق و نیمه عمیق با مطلعان کلیدی نیز بهره برد. مصاحبه زنان باید در گروه‌های کوچک صورت گیرد همچنین به‌ویژه در مناطق روستایی در برخی از مواقع و روزهای مشخص در دسترس گروه اتا هستند.	ابزارهای ارزیابی حساس به جنسیت
با اینکه احتمال سوگیری یا جانبداری از سوی اعضای آموزش دیده ارزیابی تأثیرات وجود ندارد اما اکیداً توصیه می‌شود از زنان در گروه ارزیابی تأثیرات استفاده شود زیرا علاوه بر برقراری توازن جنسیتی در گروه ارزیابی، زنان راحت‌تر می‌توانند در خصوص اطلاعات داخلی خانواده اطلاعات به دست آورند.	استفاده از زنان در گروه اتا
تجربه سد سردار سرور نشان داده است اعضای اتا به‌ندرت در روند تصمیمگیری‌ها با زنان به‌ویژه در خصوص مسائلی چون غذا، آب، چوب، پمپ‌های دستی مشورت کرده‌اند و همین موضوع سبب مشکلات و مسائلی در این پروژه شد.	مشورت و مشارکت

تجربه نشان داده که پتانسیل فراوانی برای جانبداری و سوگیری در اتا به دو دلیل فشار کارفرما به اعضای اتا و کیفی بودن بسیاری از متغیرهای اجتماعی وجود دارد؛ بنابراین کارشناسان اتا باید مستقل باشند نه وابسته به کارفرمای پروژه.	بهره‌گیری از مشاوران اتای شایسته و مستقل
اجرای اتای که در آن به مسائل جنسیتی توجه شود، هزینه‌های خاصی (استخدام یک متخصص جنسیت، تعدادی دستیار میدانی که یکی از آن‌های زن باشد) را به همراه دارد	بودجه اتا
با توجه با الزامات دفتری آژانس‌های سرمایه‌گذاری، به مکانیسمی نظارتی جهت توجه به یافته‌ها و استفاده از کاربست گزارش اتا نیاز است.	مکانیسم نظارت و پایش برای اتا
برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد نیازمند داده‌هایی درباره تأثیرات اجتماعی است که قابل اعتماد و دقیق باشد؛ بنابراین در زمینه جمع‌آوری داده برای اهداف ارزیابانه، آموزش مهارت‌های پایه‌ی علوم اجتماعی به گروه ارزیابی ضروری است.	آموزش ارزیابی تأثیرات اجتماعی

فصل هشتم به ارزیابی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر اجتماعات ایلی متأثر از پروژه می‌پردازد. کار گروهی از طرف دولت هند که روی توسعه فرودست‌ترین قبایل کار می‌کردند، برآورد کردند که از کل جمعیت هند، تنها هشت درصد مردم ایلیاتی هستند اما تقریباً نیمی (۵۰ درصد) از مردمان آواره را ایل نشینان تشکیل می‌دهند. هویت ایلیاتی‌ها با زمین‌هایشان که اغلب از نسل‌های گذشته از آن کشت می‌کردند گر خورده است. فهم تجربه جابه‌جایی و از ریشه جدا شدن برای آن‌ها بسیار دشوار است و بیشترین تأثیر منفی را از جابه‌جایی می‌گیرند. پروژه‌های توسعه، مردم قبایل و ایلات را به شکل نامناسب از زمین خود دور کردند و در اغلب موارد بدون جبران خسارت‌های وارده در مکان دیگری اسکان داده شدند.

بر اساس استانداردهای بین‌المللی اسکان مجدد ناخواسته، اگر پروژه‌ای واقعاً باعث توسعه شود، باید اوضاع بهتری را به وجود آورد. این در حالی است که مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد جابه‌جایی معمولاً سبب کاهش شدید کیفیت زندگی مردم ایلیاتی شده است. آن‌ها نه تنها فقر بلکه نسل‌کشی فرهنگی را نیز تجربه کردند. فرهنگ ایلیاتی‌ها بر پایه قواعد پایداری بلندمدت بنا شده است نه دستاوردهای سریع و کوتاه‌مدت. آن‌ها نه تنها ابتدایی (از نگاه مردم‌شناسی) نیستند بلکه بسیار توسعه‌یافته‌اند. آن‌ها زندگی کردن را از محیط طبیعی می‌آموزند و بدون اینکه به آن آسیب بزنند.

معمولاً روند جابه‌جایی اجتماعات کمتر مورد مطالعه عمیق قرار گرفته است. مهم‌ترین تأثیر پروژه‌های جابه‌جایی تقسیمات دوگانه از اجتماعات محلی است (حامی و ضد پروژه، پولدار و فقیر و...) که سبب از هم‌پاشیدگی ساختار

اصلی اجتماعی از بسیاری جهات (اجتماعی، فیزیکی، سیاسی، اقتصادی و...) می شود.

نسل کشی فرهنگی اصطلاح مناسبی برای توصیف توانی است که پروژه‌های اسکان مجدد بر مردمان ایللیاتی تحمیل می کند. فرهنگ ایللیاتی نظم خود را از خلال مناسباتی به دست آورده که در سطح زیرین ساختار اجتماعی از آن محافظت شده است. نظام اقتصادی، نظام خویشاوندی، نظام دینی، فرهنگ مادی، ساختار قدرت از اجزای این ساختار اجتماعی است که با جابه‌جایی به‌طور کامل تخریب می شود.

برای مردمان ایللیاتی، پروژه‌های سدسازی همیشه ضد توسعه محسوب می شود زیرا تاریخچه گروه‌های روستایی را تضعیف یا نابود می کند. بر اساس نتایج کمیته جهانی سدها، مشکلات اساسی سدسازی عبارت‌اند از:

- جابه‌جایی گسترده و فقیر سازی اجتماعات انسانی

- هزینه‌های بالاتر از میزان برنامه‌ریزی شده

- کاهش انرژی برق، توان آبیاری و... کمتر از توان وعده داده شده

- افزایش سرعت شور شدن خاک و جریان رسوب و لای گرفتگی کاهش کنترل قدرت سیل.

مردمان ایللیاتی، همچنین پروژه‌های معدنی را به دلیل آن که سبب از بین رفتن زمین‌ها و محیط‌زیست مردم می شود، ضد توسعه خطاب می کنند. پروژه‌های معدنی و سدسازی در کنار تمدن بشری، سبب تضعیف زیست‌بوم می شود. معادن و مناطق تولید فلزات در هند، فقیرترین نواحی کشور به لحاظ اجتماعی هستند و جابه‌جایی انسان‌ها عامل اصلی این فقر است.

ضد توسعه همان مفهومی است که برای توصیف اعتراضات مردم به پروژه‌های واجد جابه‌جایی استفاده می شود. این مردمان جنبش‌های ضد توسعه را در بسیاری از مناطق، اجتماعات محلی در برابر نقل مکان و جابه‌جایی داشته‌اند و زنان معمولاً در خط مقدم این جنبش‌ها هستند زیرا اغلب خطر را بهتر از مردان حس می کنند، کمتر به وعده‌های سود و نفع کوتاه‌مدت دل می‌بندند، نسبت به نیازهای نسل آینده آگاه‌ترند.

پیشنهادهایی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در بین مردم ایللیاتی:

- آتا باید صدای طیف وسیعی از مردم باشد و دیدگاه افراد تحت تأثیر را بدون کم و کاست بازتاب دهد. بسیاری از مردمان آواره از ترس مجازات، احساسات واقعی خود را بیان نمی کنند بنا به ضرورت و شرایط باید به آن‌ها فرصت داده شود تا اظهارات خود را به صورت ناشناس ارائه کنند.

- بدون شریک شدن در درک دقیق مردم محلی، احساساتشان و این که چه

چیزی ممکن است زندگی‌شان را تغییر دهد، ارزیابی مناسبی از تأثیرات اجتماعی میسر نخواهد بود بنابراین اتا باید در فضایی انجام شود که روستاییان از آن هراسی نداشته باشند.

- استفاده از مفاهیم انتزاعی را باید به حداقل رساند زیرا در میان مردمان ایلیاتی احساس بیگانگی ایجاد می‌کند.

- انجام اتا باید به شکلی باشد که بین مقامات پروژه و تأمین‌کنندگان مالی آن جدایی قاطع و نفوذناپذیری را به وجود آورد.

- اتا باید به شیوه جامع، صادق و سراسر است و فهم شده نوشته شود، به نحوی که مردم درگیر در پروژه بتوانند آن را بخوانند و بفهمند.

- اتا باید تأثیراتی را که پروژه به گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان، کودکان و سالمندان) وارد می‌شود را شناسایی کند.

- اتا نباید بر جنبه‌های منفی پروژه سرپوش بگذارد و مواردی چون رشوه، مافیاء، سرکوب، فحشا و استثمار را پنهان کند.

- مردم ایلیاتی می‌خواهند از تمام جزئیات (این که پروژه‌ها چگونه باید پیش بروند، یا اصلاً باید ادامه یابند یا خیر) پروژه‌های توسعه اطلاع داشته باشند تا آزادانه و با آگاهی تصمیم‌گیری کنند.

- فرایند انجام اتا باید با مطالعات پایش و ارزیابی حین روند اجرای پروژه انجام گیرد تا بتوان پیش‌بینی‌ها را در نظر داشت و در مواقع لزوم اقدامات اصلاحی را در پیش گرفت.

فصل نهم چند اقدام جدید در زمینه ارزیابی اجتماعی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی در جمهوری خلق چین را بررسی کرده است. تاکنون برای انجام اتا، به منظور اشاره به فرصت‌ها و مخاطرات اجتماعی، چهارچوب جامع، به لحاظ قانونی مستقل و در سطح ملی منظمی در این کشور وجود نداشته است. باین حال آژانس‌ها و کارگزاران مهم چینی اخیراً گام‌های مهمی در این مسیر هم در سطح ملی و هم بین‌المللی برداشته‌اند.

پروژه‌های زیرساختی چین، چه در داخل و چه در خارج کشور، به رشد فقر، نابرابری، ناامنی غذایی و ناپایداری اجتماعی دامن زده است. رویکرد ملی به اسکان مجدد و جابه‌جایی انسانی در چین تا حدی زیادی مبتنی بر پرداخت غرامت نقدی است. الزام رسمی انجام ارزیابی اجتماعی و برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد در مرحله امکان‌سنجی پروژه (برای پروژه‌های منتخب سال ۲۰۰۷) فرصتی ایجاد کرد تا تحلیل نظام‌مند انجام شود که بتوان از طریق آن، بنیانی برای توانمندسازی بهتر افرادی که آواره شدند فراهم کرد.

کمیسیون اصلاح و توسعه ملی^۱ که آژانسی برای مدیریت اقتصاد کلان تحت نظارت شورای دولتی^۲ چین، ارزیابی اجتماعی را به‌عنوان بخش اصلی امکان‌سنجی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری به رسمیت شناخت و به همین دلیل قواعد راهنمایی را به‌طور آزمایشی در سال ۲۰۰۲ و در سال ۲۰۰۷ برای استفاده در پروژه‌های خاص به‌طور ملی تصویب و تأیید کرد. در سال ۲۰۱۲ دو سند کمیسیون اصلاح و توسعه ملی به‌طور شفاف بیان داشتند که در پروژه‌هایی که نیازمند تأیید کمیسیون یا شورای دولتی است باید ارزیابی مخاطرات مربوط به ثبات اجتماعی و مشورت عمومی اجرا شود تا احتمال بروز ناآرامی‌های عمومی مشخص گردد. پروژه‌ها با خطر بی‌ثباتی اجتماعی متوسط یا بالا رد می‌شوند. نخستین شکل از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی که تحت قانون حفاظت از محیط‌زیست سال ۱۹۷۹ انجام شد بر تجزیه و تحلیل بیوفیزیکی متمرکز بود و به هر متغیری جز هوا، صدا، ارتعاش و تأثیرات الکترومغناطیس بی‌توجه بود. در سال ۲۰۰۳ ضرورت انجام مشورت عمومی در این مطالعات قوت گرفت تا اینکه در سال ۲۰۰۸ به دفاتر حفاظت از محیط‌زیست حکمی مبنی بر ارائه خلاصه وضعیت ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و جمع‌بندی آن به اطلاع عموم، ابلاغ شد. تحولات اقتصادی سریع و بسیار مهم منجر به شکل‌گیری نوعی تحول اجتماعی و نهادی بسیار گسترده شد. تغییرات مهم در تمام جنبه‌های زندگی، کار، شبکه اجتماعی رخ داد. بیکاری و اشتغال ناقص منجر به چالش‌هایی در محیط‌های شهری و روستایی شد. فشار بر منابع آب و زمین افزایش یافت. رشد جمعیت که با استثمار گسترده اراضی کشاورزی همراه شده است در کنار افزایش درآمد و تغییر در الگوهای مصرف به این فشار افزود و به این ترتیب، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی محلی حول وحوش پروژه‌های مشخص بزرگ مقیاس، ایجاد می‌شوند. از دهه ۱۹۹۰ گروهی از متخصصان اجتماعی شروع به جست‌وجو راه‌هایی کردند که بتوانند ارزیابی تأثیرات اجتماعی را در چین انجام دهند. رویکردهای موسسه‌های مالی بین‌المللی و رویکرد انجام اتای استاندارد، دو رویکرد جدید به ارزیابی اجتماعی در چین بوده است. موسسه‌های مالی در سال ۱۹۹۳ مجوزهای ویژه‌ای را دریافت کردند تا بتوانند، در اطراف مناطق مربوط، ارزیابی اجتماعی مشارکتی را به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت بر آن پروژه‌ها را به اجرا درآورند. این موسسه‌ها شامل، بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و موسسه مالی بین‌المللی بود که با رویکرد مشابهی ارزیابی اجتماعی را انجام می‌دادند.

به دلیل آن که به کارگیری اتا در محیط‌های جهانی تازه گسترش یافته بود، اتای استاندارد نیز دچار تغییر و تحولاتی شد و از حوزه اولیه خود فراتر رفت و به جای ابزاری برای جلوگیری و تعدیل تأثیرات منفی توسعه به ارزش‌های اخلاقی و مواردی نظیر حمایت از حقوق بشر، بهبود وضعیت تساوی اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی و... ارتقا یافت.

دولت چین پس از چندین شکست در پروژه‌های سدسازی متوجه شد که اجتماعات متأثر از ساخت سدها، از تأثیرات شدید آوارگی به شدت رنج می‌بردند و در این خصوص سه اقدام صورت گرفته است:

۱- به رسمیت شناختن مسائل مربوط به اسکان مجدد در ساخت سدهای قبلی بوده و هنوز حل نشده بود. دولت چین صندوق مسائل باقی‌مانده را ایجاد کرد تا با نگاهی به گذشته، به مسائل اجتماعات و خانواده‌های آسیب‌دیده در پروژه‌های قبلی رسیدگی کند.

۲- تصویب مقررات خاص از سوی شورای دولتی برای پروژه‌های متوسط و بزرگ مقیاس مربوط به منابع آب

۳- تعریف چهار چوب قانونی برای تقسیم منافع و مزایای کار با افراد آسیب‌دیده و متأثر از پروژه.

اتا و ارزیابی اجتماعی به‌طور بالقوه می‌توانند به شیوه‌های مختلف (پی‌ریزی اقدامات مشارکتی، تمهیداتی برای رسیدگی به شکایت، شناسایی شرایط اجتماعی-اقتصادی مردم متأثر از پروژه، ارائه برنامه‌ریزی معیشت و امنیت اجتماعی، تسهیل انجام ارزیابی جامع و فراگیر، آزمودن مدل‌های بدیع و نوآورانه برای توان‌بخشی در شرایط مختلف و...) در آوارگی و اسکان مجدد که توسعه آن را تحمیل می‌کند، سهیم باشد.

پیچیدگی‌های روزافزون عرصه‌های اجتماعی چین که از ویژگی‌های آن پدید آمدن، فضای اجتماعی جدید است، چالش‌ها و فرصت‌هایی را با خود به همراه دارد. برنامه‌ریزی مرکزی، به شکل جدیدی ادامه یافته است. در سطح محلی، اهداف اجتماعی واجد اولویت کمتری هستند و در قیاس با اهداف اجتماعی و فنی مبهم‌تر و پرداختن به آن‌ها دشوارتر است. در حالی که نسخه‌های روزآمد قواعد فنی عمومی در سال ۲۰۱۱ تمام ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی را ملزم به در نظر گرفتن جایگزین برای پروژه کرده بود، احتمالاً در واقعیت، با ارائه چند پیشنهاد فنی رفع شود. این موضوع، پیامدهایی را برای آوارگی و اسکان مجدد به همراه دارد. استفاده بهتر از اتا می‌تواند به صورت بندی جایگزین‌ها کمک کند، جایگزین‌هایی که احتمالاً می‌تواند از وقوع تأثیرات آوارگی جلوگیری کنند. تحقق نظاممند اتا در میان دولت‌های محلی و پر تعداد چین و عرصه‌های

برنامه‌ریزی می‌تواند چالش‌هایی را چون چالش‌های اداری، فرآیند مدیریتی و سرمایه‌گذاری در بیرون مرزها را به میان بیاورد.

اتامستلزم مسیری شفاف است که بر اساس داشتن درکی از اهمیت مشارکت شکل گرفته باشد. این تغییر مسیر در اتا به این منظور است که نشان دهد اتا یک ابزار کلیدی است که برای درگیر کردن ذینفعان مورد استفاده قرار می‌گیرد. افشای به موقع اطلاعات، می‌تواند ورود زود هنگام مردم به راهبردهای گسترده‌ی برنامه‌ریزی و پروژه‌های خاص را سهولت بخشد. این استراتژی با فرهنگ مردم چین همخوانی دارد. اگرچه هنوز آموزش و حمایت از متخصصان اتا مبهم است و تعداد مجریان با تجربه در این حوزه انگشت‌شمار هستند.

با وجود توجه روزافزون چین به تأثیرات اجتماعی پروژه و دغدغه این حوزه در سطح ملی و بین‌المللی، هنوز موانع ساختاری متعددی در مسیر اتا در برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌ها وجود دارد. راهنمای مسئولیت اجتماعی برای پیمانکاران بین‌المللی چینی که انجمن آن را منتشر کرده است، نخستین استاندارد دی است که در زمینه مسئولیت اجتماعی داوطلبانه برای صنعت پیمانکاری پروژه‌های بین‌المللی چین منتشر شده است. این راهنما، الزامات کاری مشخصی را برای شرکت‌ها تعیین کرده است. در این راهنما هفت موضوع ایمنی، رشد کارکنان، حقوق مالکان، مدیریت زنجیره‌ی تأمین، حفاظت از محیط‌زیست و رشد و توسعه اجتماع محلی برجسته شده است.

فصل دهم به تجربیات کسب‌شده و درس‌آموخته‌هایی از پروژه نیروگاه برق آبی تئون در جمهوری دموکراتیک خلق لائوس که در برنامه خود از سویه‌های مختلف (اجتماعی، زیست‌محیطی و اسکان مجدد) استفاده کرده، پرداخته است.

سد نام تئون فرصت مناسبی را برای بانک جهانی فراهم کرده است تا در عملیات اجرایی زیرساخت‌های بزرگی که تأثیرات جمعی و منطقه‌ای دارند، دست به اصلاح رویکرد خود در زمینه اجتماعی و زیست‌محیطی بزند. پنج چالش که ارزیابی تأثیرات اجتماعی و برنامه‌ریزی برای تعدیل تأثیرات منفی پروژه‌های جامع و فراگیر در این پروژه با آن مواجه بودند عبارت‌اند از:

- مدیریت تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی که در شش منطقه پراکنده بود.
- اسکان مجدد قریب به ۶۲۰۰ نفر که در فلات ناکایی زندگی می‌کردند.
- تاثیر بر معیشت ۷۰ هزار خانوار ساکن در حوضه آبخیز و نواحی پایین دست.
- تأثیرات نامعلوم پروژه که در نظر گرفتن آن به معنای تکیه بر رویکرد منعطف و اقدامات تصادفی است.
- فرصت‌ها و محدودیت‌های نهادی/ عملیاتی متعدد که به صورت عمومی و خصوصی به پروژه تحمیل می‌شد.

این پروژه تمام سیاست‌های پادمانی دهگانه بانک جهانی را به اجرا درآورد. بانک جهانی در به کار بردن این سیاست‌ها و اتخاذ الگوی عمل در هر بخش با چالش‌های متعددی روبه‌رو بود. وقتی دولت لائوس، شرکت برق نام تئون و دیگر سهام‌داران متوجه شدند که بانک مدام قلمرو جغرافیایی کار و هم‌گسترده موضوعی مطالعات را تغییر می‌دهد با افزایش تقاضا برای انجام تحلیل اجتماعی و محیط‌زیستی مدعی شدند که بانک جهانی بدون شفاف‌سازی ملزومات مورد قبول کار، اهداف را جابه‌جا می‌کند و همین موضوع سبب بروز تنش شد زیرا سهام‌داران خارجی به این باور رسیدند که تحلیل‌ها [اجتماعی و محیط‌زیستی] جامع و کامل نیستند و احتمالاً برخی مسائل بالقوه یا برخی افراد تحت تأثیر را نادیده گرفتند.

تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی منفی این پروژه، ناشی از جمع شدن آب رودخانه نام تئون در مخزنی به وسعت ۴۵۰ کیلومتر مربع؛ انتقال آب از حوضه رودخانه نام تئون به رودخانه ژئی بانگ فای که به نوعی تغییر در الگوهای جریان آب و زیست‌بوم آبیان منطقه داشت؛ ساخت و سازهای جانبی بوده است. تأثیراتی که پروژه در شش ناحیه بر جای گذاشته است در جدول زیر ارائه شده است:

از بین رفتن تنوع جنگلی زیستگاه طبیعی در اثر آبیاری مخزن سد؛ سطح درآمد خانوار پایین‌تر از خط فقر؛ خاک فقیر، شرایط آب و هوایی بد، فقدان تکنیک‌های مدرن کشاورزی از عوامل محدودکننده تولید کشاورزی است؛ عدم دسترسی به برق، آب قابل شرب، جاده آسفالت، مراکز آموزشی، فاصله زمانی تا مراکز درمانی.	فلات ناکایی
سطح درآمد خانوار پایین‌تر از خط فقر؛ دسترسی محدود به زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی از جمله مراقبت‌های بهداشتی؛ محدودیت دسترسی به منابع طبیعی با طرح‌های حفاظت از محیط‌زیست؛ محدودیت زمانی و مکانی در دسترسی به منابع به ایجاد الگوی جدید کاربری زمین و منابع.	حوضه آبخیز سد نام تئون
ممانعت از اسکان خانوارها در طول رودخانه به دلیل تغییرات در وضعیت ساخت و نصب کانال؛ ایجاد تغییرات در رژیم جریان و کیفیت آب؛ کاهش بهره‌وری ماهیگیری و دارایی فیزیکی نظیر سیستم تأمین آب، پمپ آبیاری؛ به زیر آب رفتن گذرگاه‌های روی رودخانه، باغ‌های ساحل رود و دیگر اراضی.	حوضه رودخانه ژئی بانگ فای
کاهش جریان آب به طرز چشمگیری؛ دگرگونی زیستگاه ماهی‌ها و برخی از انواع پوشش گیاهی ساحلی و احتمالاً نحوه استفاده از فضا؛	حوضه رودخانه نام تئون
فرسایش خاک؛ ایجاد گردوغبار؛ سروصدا؛ از بین رفتن پوشش گیاهی؛ تغییر در تنوع زیستی منطقه؛	سایر اراضی مربوط به پروژه
پایین آمدن سطح آب؛ تغییر جریان آب، تأثیرات بوم‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی	رودخانه مکونگ

طرح اقدام برای اسکان مجدد علاوه بر برنامه‌های معیشتی، مواردی چون زمین، مسکن، زیرساخت (تأمین آب، فاضلاب، برق و جاده) و خدمات اجتماعی چون سلامت و بهداشت را نیز فراهم کرده است و برای کمک به اقلیت‌های قومی و دیگر خانواده‌های آسیب‌پذیر اقداماتی مناسب به لحاظ فرهنگی در نظر گرفته شده است. برنامه‌های مربوط به امور معیشتی و نقل مکان مردم پیشاپیش به اجرا گذاشته شد تا فرصتی به دست آید که سازگاری مردم اسکان یافته با وضعیت جدید ارزیابی شود و در هر بخش بسته به نیاز، برنامه تعدیل و تنظیم شود. پرداختن به مسائل جنسیتی یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر در طراحی این پروژه بوده است. ارزیابی جنسیتی نشان داد که زنان و دختران خصوصاً کسانی که به برخی گروه‌های قومیتی حاشیه‌ای تعلق داشتند و افرادی که در خانواده‌های مرحوم زندگی می‌کردند، دسترسی محدودی به آموزش، مشاغل خارج از مزرعه، بازارهای تولیدی، دارایی‌های نقدی، قدرت، اختیارات سیاسی و اجتماعی داشته‌اند.

پروژه نام تئون، منجر به آوارگی جمعیت تحت تاثیر نمی‌شد اما طرح‌های حفاظت از محیط‌زیست دسترسی‌شان را به منابع طبیعی محدود می‌کرد. اجرای برخی مقررات مانند قوانین شکار در حیات وحش، دسترسی به منابع با محدودیت زمانی و مکانی در دسترسی به منابع، افراد اجتماع محلی را به شکل منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در جریان کار، آموزه‌هایی در حوزه‌های مختلف فراگرفته شد:

۱- مسائل مرتبط با طراحی محتوایی: مسائلی از قبیل شناخت کلی مسئله و پاسخ‌ها، تعریف رویکردها، چهارچوب‌ها و طرح‌ها به‌منظور پرهیز، تعدیل یا جبران رخدادهای منفی، بهره‌برداری از مزایای فرصت‌های مثبت در پیشبرد توسعه. در این مجموعه چهار موضوع مورد توجه قرار گرفت: تعریف مرزهای پروژه، احیای معیشت و درآمد، ایجاد تعادل در حفظ تنوع زیستی و توسعه‌ی محلی و پرداختن به مخاطرات نواحی پایین دست پروژه.

۲- مسائلی که در بستر تنش‌های ناگزیر و اهداف رقابتی بخش‌های عمومی و خصوصی به وجود آمده است: مسائلی همچون مواجهه با ابهام و عدم قطعیت، پرداختن به چالش‌های نهادی، ایجاد استراتژی‌های مشورت و برقراری ارتباط مناسب، ایجاد مکانیسم‌های پایش، سنجش و نظارت مؤثر.

بانک جهانی آشکارا تشخیص داده بود که پروژه ایجاد نیروگاه برق آبی شاید منجر به ایجاد مسائل توسعه‌ای گسترده شود، به همین دلیل، بر روی مسئله فقر متمرکز شد، توسعه منطقه‌ای را در نظر گرفت و با توسل به ابزارهای مکمل، اهداف اجتماعی/ محیط‌زیستی را مورد توجه قرار داد و به سازندگان

پروژه توصیه کرد تمام تأثیرات ناشی از این پروژه را در برنامه‌های تعدیلی خود مورد توجه قرار دهند و هزینه‌های آن را در بودجه پروژه محاسبه کند. همین امر سبب مخالفت و ناسازگاری شد. سازندگان معتقد بودند بانک جهانی مرزهای پروژه را به‌طور مداوم گسترش می‌دهد و خواستار طراحی ارزیابی اضافه، ایجاد برنامه فراگیرتر و گسترش بودجه اجتماعی و محیط‌زیستی است چیزی که از آن به «جابه‌جایی اهداف هم‌زمان با پیشرفت پروژه» می‌گفتند. برخی دیگر از آموزه‌های کلیدی:

- برای به حداقل رساندن تأثیرات احتمالی پروژه، افزایش فواید و مزایای توسعه‌ی بخش برق، ارزیابی استراتژیک اجتماعی و زیست‌محیطی باید قبل از آغاز پروژه در یک سایت خاص انجام شود.

- با توجه به مقیاس پروژه و احتمال گسترش محدوده جغرافیایی، محدوده اثرگذاری باید از ابتدا مورد توافق حامیان قرار گیرد.

- سبک و سنگین کردن، تعیین قلمروی زودهنگام مسائل اجتماعی و محیط‌زیستی با اتکا به فرایند مشورت با ذی‌نفعان که با سیاست‌های بانک جهانی همخوانی دارد، توصیه می‌شود. در صورتی که تحلیل تأثیرات تجمعی زودتر اجرا شود، درک بهتری از بستر جغرافیایی به دست می‌آید.

- اگرچه توافق اولیه با ذی‌نفعان بر سر مرزهای پروژه و داشتن رویکردی مشخص، مانع اختلافات بعدی می‌شود؛ اما باید توجه داشت که در پروژه‌های بزرگ و پیچیده این یک مسئله اجتناب‌ناپذیر است.

- راهبردهای ارتباطی و مشورت با مردم باید خیلی زود تعریف‌شده و در سراسر چرخه کار پژوهش دنبال شود.

- نقش دولت و سازنده در مشورت با مردم محلی و ذی‌نفعان خارجی که علائق و منافع پراکنده‌ای دارند باید به روشنی مشخص شود. ضروری است که پروژه صاحب داشته باشد و مشورت را باید با حامیان و صاحبان پروژه پیش برد نه مشاوران آن.

- مشورت باید معنی‌دار باشد، شاید ضروری باشد که از نظرات تخصصی برای طراحی روش‌شناسی حساس به تفاوت‌های اجتماعی، زبانی و قومی در کار استفاده شود. استفاده از نظارت خارجی می‌تواند با نگرشی بیرونی نقش مهمی در ارزیابی اعتبار و اثربخشی فرایند مشورت داشته باشد.

- تعهدات مربوط به سنجش و پایش باید طولانی‌مدت باشد.

- نظارت کاملاً مستقل نمی‌تواند مبنایی برای سنجش و نظارت منظم باشد.

فصل یازدهم به‌مرور ابعاد مختلف تأثیرات اجتماعی در چهار پروژه بزرگ توسعه زیرساخت در منطقه جنوب آسیا (بنگلادش، نپال، پاکستان و سریلانکا) می‌پردازد. هر چهار پروژه^۱ به شکل وسیعی توسط آژانس‌های دوجانبه تأمین مالی شده‌اند و ظاهراً مسائل مربوط به جنبه‌های اجتماعی طرح، طی مرحله‌ی طراحی پروژه توجه ویژه داشته‌اند.

در ساخت این ابر پروژه‌ها به‌طور جداگانه در مرحله طراحی به ضرورت‌های اجتماعی و نیاز به اسکان مجدد (تجدید اسباب معاش، توسعه اجتماعی، ضرورت‌ها و نیازهای تصرف زمین، جابه‌جایی جمعیت و اجرای پروژه) توجه شده است. در هنگام سنجش و ارزیابی پروژه‌ها، فهم عموم ایجاد شد که این پروژه‌ها قرار است کیفیت زندگی و رفاه عمومی را افزایش دهد. اسناد و مدارک پروژه به تأثیرات پروژه و اقدامات تعدیلی و تسکین‌بخش پرداخته بود. با این وجود در مراحل اجرایی هر چهار پروژه نقیصی در داده‌های اجتماعی در سطوح مختلف شناسایی شده است.

دلیل انتخاب چهار مورد مطالعاتی در چهار کشور مختلف، طراحی و اجرای این چهار پروژه در بازه زمانی مشابهی طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۵ و طی یک دوره ده‌ساله است به لحاظ تاریخی در تمام آن‌ها محیط سیاستی و قانونی کم‌وبیش یکسانی حاکم بوده است.

نویسنده با اشاره به چرخه پروژه اتا که به‌طور متداول برای تمام پروژه‌ها انجام می‌شود، به تفکیک مرحله برنامه‌ریزی، فرآیندها و پیامدهای اجرای هر چهار پروژه را شرح داده است.

۱- بنگلادش؛ پل چندمنظوره جمونا: پل جاده‌ای - ریلی به طول ۴٫۸ کیلومتر بر فرار رودخانه جمونا، به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار با چند حامی مالی (بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن) که ژوئن ۱۹۹۸ افتتاح شد. در مرحله طراحی پروژه طرح اقدام برای اسکان مجدد تهیه شد که به دو دلیل، ارزیابی تأثیرات پروژه به شکل بسیار محدودی مورد توجه قرار گرفته بود و مطلوب نبودن طرح براساس مقتضیات سند بانک جهانی در خصوص اسکان ناخواسته، سبب ناکامی آن شده است. انجام سرشماری، بررسی اجتماع محلی و شناسایی مردم تحت تأثیر به یکی از سمن‌های محلی واگذار شد. جمعاً در این پروژه ۱۱ هزار و ۹۴۸ خانوار (حدود ۸۰ هزار نفر) به شکل مستقیم و غیرمستقیم از این پروژه متأثر می‌شدند. طرح بازبینی شده اقدام برای اسکان مجدد، ضرورت‌های مرتبط با بانک جهانی را نیز در نظر گرفته

۱- پل چندمنظوره جمودنا در بنگلادش، پروژه برق-آبی کالیگندکی در نپال، پروژه برق-آبی غازی بروتها در پاکستان و پروژه توسعه حمل‌ونقل جنوبی در سریلانکا.

بود. غرض از طرح، حصول اطمینان از استقرار مطلوب خانوارهای تحت تاثیر در محل جدید بوده است. یکی از قواعد مهم در این طرح، ورود اجتماعات میزبان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای اسکان مجدد بود. با توجه با آن که این پروژه نخستین پروژه اسکان مجدد در کشور بوده، اداره پُل، به‌عنوان بازوی اجرایی پروژه، دفتری مملو از کارکنان در سایت پروژه افتتاح کرد و یک سمن بومی (جنبش توسعه روستایی) را استخدام کرد تا در امور مربوط به اسکان مجدد کمک کند. افراد تحت تاثیر پروژه بر اساس ضرر و زیانی که به دارایی‌های مادی و غیرمادی‌شان وارد آمده بود، خسارت دریافت می‌کردند. به‌علاوه اداره پُل نیز کمک هزینه‌های نقدی تحت عنوان «حداکثر بهای مجاز جابه‌جایی» در نظر گرفته بود. مطابق با بررسی و پیمایش کمیته توسعه روستایی بنگلادش از میان ۱۶ هزار خانوار آسیب‌دیده از پروژه، تنها ۳۶۰۰ خانوار به جابه‌جایی و اسکان مجدد نیاز داشتند و مابقی زمین‌های کشاورزی خود را بدون نیاز به جابه‌جایی فیزیکی از دست دادند. تقریباً دوسوم جمعیت واجد اسکان مجدد، جابه‌جایی را انتخاب کردند و در روستاهای موجود در کرانه شرقی و غربی رودخانه منتقل شدند و مابقی که خود جابه‌جایی را انتخاب کرده بودند، کمک‌هزینه ساخت خانه، مجوز جابه‌جایی، هزینه جبرانی برای از دست دادن شغل / روزهای کاری و نیز حداکثر بهای مجاز جابه‌جایی در زمین جدید را دریافت کردند. تمام زیرساخت‌های شهری و اجتماعی برای سایت اسکان مجدد فراهم شده بود. مصالح استفاده‌شده در سایت اسکان مجدد از کیفیت بالایی برخوردار بود و سازه‌ها خوش ساخت بودند. کیفیت زندگی به‌واسطه آن که امکانات شهری جدیدی در سایت اسکان مجدد ایجاد شده، به‌طور معناداری افزایش یافته است. در نهایت افرادی که جابه‌جا شده بودند از مدیریت اسکان مجدد پروژه رضایت کلی داشتند. با این حال مناطقی وجود داشت که در آن‌ها ضعف‌هایی شناسایی شد.

بررسی اقتصادی، اجتماعی و ارزیابی تأثیرات پروژه به‌وسیله سمن‌ها، پویش‌های پخش اطلاعات و مشورت همگانی، سیاست استحقاقی فراگیر که تمام اقشار مردم آسیب‌دیده را در برمی‌گرفت، توجه ویژه به زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، امکانات شهری در سایت‌های اسکان مجدد و روستاهای میزبان، سازمان‌دهی قوی و نوآورانه‌ی اجرای اسکان مجدد، برنامه‌های متعدد برای آموزش و احیای درآمد، نظارت مؤثر و پایش پروژه با استفاده از سیستم مدیریت اطلاعات و توجه به تعدیل تأثیرات پس از ساخت پروژه از دلایلی بود این پروژه را به‌عنوان مدل و الگوی موفق در کشور معرفی کرد.

۲- نپال؛ پروژه نیروگاه برق - آبی کالیگندکی: این پروژه در بخش مرکزی نپال و در حدود ۱۸۰ کیلومتری غرب پایتخت یعنی شهر کاتماندو^۱ قرار گرفته است. هدف از این پروژه رسیدگی به نیاز فزاینده برق در نپال بوده، اجرای آن را اداره برق این کشور بر عهده داشته و مطالعات اولیه در سال ۱۹۷۹ و مطالعات تفصیلی آن در سال ۱۹۹۸ انجام شده است. این پروژه به دلیل مشکلاتی نظیر مشاجره در اجتماعات محلی و ذینفعان پروژه، اسکان مجدد، از دست دادن درآمد، از بین رفتن منابع معیشت که پس از اتمام پروژه هم ادامه داشته، با دو سال و نیم تأخیر به اتمام رسیده است. شناسایی پایگاه داده و تأثیرات پروژه و مشورت با اجتماعات محلی و مردم آسیب دیده دو مسئله اساسی در مرحله آماده سازی این پروژه بوده است. بعد از ایجاد مراکز اطلاعات پروژه و سایت پروژه، گروه های مشاوره روستایی در هر یک از روستاهای تحت تأثیر نیز ایجاد گردید تا مذاکرات و دعاوی را در خصوص اسکان مجدد و جبران خسارت ها تسهیل کنند. این گروه ها در واقع ابزاری بودند که ارتباط میان اجتماعات محلی (مردم متأثر از پروژه) و عوامل اجرایی را برقرار می کردند. عدم مشورت با خانواده های متأثر از پروژه، نبود حمایت کافی خانواده های متأثر، آسیب دیده از پروژه و نیازمند جابجایی و بازسازی خانه هایشان، نگرانی درباره پایداری اسباب معیشت خانواده های آسیب پذیر (اجتماع بُوت) و در معرض آسیب از جمله مشکلات حین اجرای پروژه بوده است. از فواید این پروژه می توان به ایجاد ۲۰۰ فرصت شغلی، دسترسی مسیر حرکت وسایل نقلیه، ترویج مشاغل تازه، استخدام کارگران محلی (حدود ۴۵۰۰ نفر) در حین ساخت نیروگاه، انشعاب برق برای سه هزار خانوار اشاره کرد. در سال ۲۰۰۳ شبکه ملی متشکل از سمن ها و فعالان اجتماعی خواستار بررسی کامل پروژه کالیگندکی شدند زیرا مدیریت و عواملان اجرایی در طی پروژه به شکایت مردمان تحت تأثیر توجه نکرده بودند. در نهایت باید گفت نبود بانک اطلاعاتی جامع، عدم حمایت از جابه جایی ها و اسکان مجدد، ثبت ضعیف فرایند اجرای پروژه، بحث و مشاجره بین اداره بر و اجتماع محلی از ویژگی های قابل توصیف این پروژه است.

۳- پاکستان؛ پروژه نیروگاه برق - آبی غازی بروتها: این پروژه بزرگ ترین نیروگاه (۱۴۵۰ مگاوات) جریانی - روزمینی که باهدف رفع کمبود حاد برق در پاکستان طراحی شده است، به نحوی که از نظر محیط زیستی پایدار و از نظر اجتماعی قابل قبول باشد و درعین حال کمترین تأثیرات را بر محیط زیست و جابه جایی انسانی به جای بگذارد. سرمایه این پروژه که در ۱۹۹۶ تأیید شد

را بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن، بانک کاف-وی آلمان، بانک توسعه اسلامی، بانک سرمایه‌گذاری اروپایی تأمین کردند اما به دلیل مشکلاتی بر سر تعیین قیمت زمین و برخی مسائل جابه‌جایی و اسکان مجدد، حدود چهار سال به تعویق افتاد. بر اساس توافق سرمایه‌گذاران، تأمین مالی و نظارت بر جنبه‌های اجتماعی (اسکان مجدد) به بانک جهانی محول شد. هزینه پروژه در ارزیابی ۲/۲ میلیارد دلار برآورد شده بود و منطقه‌ای که تمام اجزای پروژه را در بر گرفت در قلمرو نفوذ ولایت پنجاب و سرحدی شمال غرب قرار داشت. این پروژه حدود ده سال به طول انجامید و در ۲۰۰۴ به اتمام رسیده و عامل اجرایی آن، اداره توسعه برق و آب پاکستان بوده است. در مرحله آماده‌سازی سه سمن مهم در پاکستان به ذینفعان محلی مشاوره‌های گسترده ترتیب دادند. اطلاعات ورودی و داده‌هایی که از مشورت با ذی‌نفع با ذی‌نفعان به‌دست آمده بود و طرح نگرانی‌هایی در خصوص مسائل اجتماعی، اسکان مجدد و مسائل زیست‌محیطی، کیفیت اسناد و مدارک پروژه که به برخی از جنبه‌های خاص ربط داشتند را بهبود بخشیدند. تعامل کارکنان مرکز اطلاعات پروژه با اجتماعات محلی و مردم تحت تأثیر، درک آن‌ها را از پروژه بالا و امکان مشارکت آن‌ها را فراهم کرد. همچنین مرکز اطلاعات پروژه هر شش ماه یک‌بار در خبرنامه‌ای فعالیت مربوط به پروژه را به روزرسانی می‌کرد. به‌منظور اجتناب از مشکلات ناشی از تکرار جابه‌جایی‌های بزرگ‌مقیاس (پروژه سد تربیلا)، سازمانی با نام اداره ترقیات غازی - بروتها ایجاد شد تا روند تصرف زمین را تسهیل کند. علیرغم اینکه سازمان بخشی از پروژه بود، هیئت‌مدیره مستقل با ۱۳ عضو (شش نماینده اجتماع محلی و سه زن) داشت و وظیفه این سازمان برنامه‌ای برای توسعه اجتماعی و اقتصادی یکپارچه اجتماع محلی متأثر از پروژه ارائه کند و همچنین در مسائل مربوط به تصرف زمین و جبران خسارت‌ها و کیل مدافع اجتماع محلی باشد. با شروع تصرف اراضی مشخص شد، زمین‌بازی مهم‌ترین مانع در مسیر اجرای پروژه است. هزینه کلی خرید اراضی که در حدود دو میلیارد روپیه برآورد شده بود به هشت میلیارد روپیه رسید زیرا کار تعیین قیمت زمین به‌شدت سیاسی شده بود در نهایت اداره ترقیات برای پیشبرد پروژه با مالکان وارد مذاکره می‌شود. اداره توسعه آب و برق پاکستان به‌منظور اسکان مجدد با تمام امکانات در مجاورت پروژه سه روستا احداث می‌کند. با این حال بسیاری از خانواده‌های کشاورز متأثر از پروژه ترجیح دادند در نزدیکی محل زندگی خود باقی بمانند.

۴- سریلانکا؛ پروژه‌ی توسعه‌ی حمل و نقل جنوبی: ساخت بزرگراه جنوبی به طول ۱۲۸ کیلومتر که کلمبو (پایتخت) را به ایالت جنوبی گالی و شهر بندری ماتارا متصل می‌کند و نیز بهبود ایمنی راه و مقابله با افزایش تصادفات ترافیک جاده‌ای در کشور دو بخش این پروژه بوده است. سرمایه این پروژه ۳۰۰ میلیون دلاری را بانک توسعه آسیایی (۶۷ کیلومتر از بخش جنوبی بزرگراه) و بانک همکاری بین‌المللی ژاپن (۶۷ کیلومتر از بخش شمالی بزرگراه) تأمین کرده است. همچنین حمایت مالی خدمات مشاوره مربوط به ایمنی راه‌ها را آژانس توسعه بین‌المللی سوئد^۱ و اعتبار مربوط به خدمات مشاوره و تأمین تجهیزات بخش ایمن‌سازی راه و نیز خدمات مشاوره مدیریت پروژه را صندوق توسعه نوردیک^۲ بر عهده داشته است. رونق توسعه اقتصادی نواحی جنوبی و کاهش فقر دو هدف عمده این پروژه بوده است. به دلیل مسائلی در خصوص تصرف اراضی و جبران خسارت‌ها، این پروژه با تأخیری چشم‌گیری مواجه بود. اداره توسعه جاده‌ای به‌عنوان عامل اجرایی بدون آنکه مطالعه قانونی و الزام‌آوری در خصوص ارزیابی تأثیرات محیط زیستی روی مسیرها انجام شود. سمن‌های بومی و گروه‌های وابسته به اجتماعات محلی با اعتراض به فقدان داده و عدم پیروی الزامات محیط زیستی، عامل اجرایی را مجبور به تهیه سند ارزیابی تأثیرات محیط زیستی می‌کند. با این وجود در حین اجرای پروژه مسیرهای اداره توسعه جاده‌ای و بانک توسعه آسیایی با هم ادغام و مسیر جدیدی را با نام مسیر ترکیبی به وجود آورد. تغییر مسیر عبور بزرگراه، فقدان مذاکره و مشاوره با اجتماعات محلی متأثر از پروژه و نادیده گرفتن بخش زیادی از مسیر عبور بزرگراه در پیمایش فهرست خانوار منجر به نارضایتی از پروژه شده است. همچنین تصرف اراضی برای این پروژه به یک چالش و دعوی حقوقی تبدیل شد. پرداخت سخاوتمندانه غرامت زمین و ایجاد کمیته‌های تصرف اراضی و اسکان مجدد سبب شد تا مردم تحت تأثیر نسبت به جابه‌جایی و اسکان مجدد راغب شوند. به کارگیری گسترده مردم آسیب‌دیده به‌وسیله پیمانکار، برگزاری دوره‌های آموزشی و تکمیل طرح تجدید درآمد کامل (که کار بسیج منابع نهادی برای اجرای برنامه‌ها در اجتماعات محلی را به جریان می‌انداخت) از جمله اقدامات پیشنهادی بود که در این پروژه انجام نشد.

در یک جمع‌بندی باید گفت چهار پروژه مورد بررسی از نسل اول پروژه‌های بودند که آژانس‌های چندجانبه در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند و با پیروی از سیاست‌های پادمانی بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی برای امور

مقدماتی پروژه نیازمند رهیافت‌های نظام‌مندی بودند که به ارزیابی تأثیرات و جمع‌آوری داده‌های پردازد. در همه این موارد رویکرد اجتماعی در ابتدا به شکل ناکافی و نامناسب طراحی شده بود بنابراین باید در پروژه‌های توسعه به طرح مناسب‌تر، نوآورانه‌تر و به لحاظ اجتماعی آگاهانه‌تر توجه بیشتری داشت. به‌علاوه به‌رغم داشتن برنامه یا طرح خوب اجتماعی، ارزیابی تأثیرات پروژه باید به‌عنوان کاری دائمی در سراسر دوران اجرای پروژه مورد توجه قرار گیرد، کاری که نیازمند به‌روزرسانی و یا بررسی‌ها و ارزیابی‌های جدید است. همچنین پروژه‌های پیچیده و بزرگ معمولاً در برابر مشاجرات و چالش‌ها آسیب‌پذیرند، بیشتر به این خاطر که به جزئیاتی نظیر مشورت با اجتماع محلی در خصوص پیشرفت پروژه و مدیریت اجتماعی و اسکان مجدد توجهی ندارند و نیز در شناسایی تأثیرات اجتماعی منفی باید بر مبنای بررسی‌های تفصیلی و مشورت با اجتماعات و مردم متأثر از پروژه به تأثیرات ثانویه یا غیرمستقیم و موقت توجه کرد، در غیر این صورت این تأثیرات احتمالی در برنامه‌ریزی اجتماعی و برنامه اسکان مجدد مغفول خواهند ماند.

فصل دوازدهم کتاب با ذکر نمونه موردی استراتژی مولد برای مردمانی که از پروژه‌ی حمل و نقل سریلانکا آسیب‌دیده بودند، به موضوع احیای درآمد مردم در پروژه‌های توسعه می‌پردازد. پروژه‌های توسعه زیرساخت، مانند سایر پروژه‌ها تأثیرات مخربی را بر افراد متأثر از پروژه که دارایی، منبع درآمد و اسباب معیشتشان را از دست می‌دهند، به‌طور موقت یا دائم، کلی یا جزئی بر جای می‌گذارد. زمانی که یک دولت دارایی شخصی را برای مقاصد عمومی تملک می‌کند، بر ارزش دارایی متمرکز می‌شود، نه افراد آسیب‌دیده از پروژه. معمولاً روال این‌گونه است، مسئولان غرامت را پرداخته یا زمینی جایگزین را برای افراد متأثر از پروژه در نظر می‌گیرند و کار احیای منابع درآمد و اسباب معیشت را به عهده خود مردم می‌گذارند. چنین رویکردی در مداخلات توسعه‌ای، ضرورتی برای ارزیابی اجتماعی (قبل از پروژه) به رسمیت نمی‌شناسد در حالی که برای فهم وضعیت اجتماعی و اقتصادی، شبکه‌ی اجتماعی، درک و دریافت افراد آسیب‌دیده از پروژه ضروری است.

در سال ۱۹۹۰، آژانس‌های توسعه بین‌المللی سیاست‌های پادمانی اسکان مجدد را ایجاد کردند، اما به مؤلفه حیاتی در برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد تبدیل شد. هدف از برنامه‌ریزی اسکان مجدد این بود که بروز تأثیرات اجتماعی-اقتصادی زیان‌باری که ناشی از مداخلات توسعه‌ای بودند را به حداقل برساند. در طی ۲۰ سال گذشته اما به‌عنوان یک ابزار تحلیلی قوی از شرایط اجتماعی-اقتصادی افراد تحت تأثیر پروژه توسعه‌یافته و بر طیف

وسیع‌تری از پیامدهای احتمالی متمرکز بوده است.

پروژه توسعه حمل و نقل جنوبی، آزادراهی بامسیر رفت و برگشت جداگانه، مسیری به طول ۱۲۸ کیلومتر از شهر کوتاوا^۱ در ایالت غربی تا شهر ماتارا^۲ در ایالت جنوبی را طی می‌کند. ساخت این آزادراه زندگی ۵۷۰۰ هزار خانوار (جمعیتی حدود ۲۱ هزار نفر) را تحت تأثیر قرار داده و ۹۵۱ هکتار (۱۳۱۵ خانه مسکونی و ۱۵۱ ساختمان تجاری) از اراضی برای ساخت آن تصرف شده است. اعتبارات مالی پروژه توسط بانک توسعه آسیایی، بانک همکاری بین‌المللی ژاپن^۳، صندوق توسعه نوردیک^۴، آژانس توسعه بین‌المللی سوئد^۵ و دولت سریلانکا تأمین شده است.

در سریلانکا، برای اجرای هر پروژه توسعه، انجام مطالعات اراضی ضروری است. برای این پروژه دو اتا (در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲) انجام شده است. در هر دو مطالعه، جزیاتی از قطعات زمین، الگوی کاربرد زمین، مالکان و ساکنان زمین، مشاغل متأثر از طرح، ترکیب خانواده‌ها، سطح درآمد و تحصیلات افراد متأثر از پروژه، منبع درآمد و معیشت، درآمد سالانه خانوار و هزینه‌ها و وضعیت مسکن ثبت و برای صورت‌بندی طرح اسکان مجدد مورد استفاده قرار گرفته است. مأموران و متولیان اسکان مجدد کمک کردند تا در کمیته توان‌بخشی و تصرف اراضی برای هر یک از افراد و خانواده‌ها بانک داده‌ی گسترده‌ای موازی با نظام اطلاعات مدیریتی ایجاد شود. این کمیته بدون توجه به شرایط و وضعیت تصرف زمین با افراد متأثر از پروژه در خصوص بسته‌های توان‌بخشی و جبران خسارت مذاکره کردند.

بر اساس فهرست‌های ضرر و زیان، برای هر یک از افراد متأثر، بسته اسکان مجدد و جبران خسارتی را تدارک (گرامت نقدی) دیده بودند. طرح اسکان مجدد، رئیس فعالیت‌های برنامه احیای درآمد را مشخص کرد و دامنه کارش را به فقیرترین و آسیب‌پذیرترین خانواده محدود کرد. برنامه احیای درآمد در سه مرحله انجام شد.

-
- 1- Kottawa
 - 2- Matara
 - 3- Japan bank of International Corporation
 - 4- Nordic Development Fund
 - 5- Swedish International Development Agency
 - 6- Land Acquisition Rehabilitation Committees

مرحله	سال	مسئول اجرا	برنامه
۱	۲۰۰۳-۲۰۰۵	واحد مدیریت پروژه	توزیع دانه و گیاه بین مردم، آموزش امور مربوط به رایانه، رانندگی، خیاطی، فرهنگ و مد، زیبایی به ۸۴ نفر از افراد آسیب‌دیده از پروژه، کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده برای ساخت خانه‌های خود، اختصاص ۶ میلیون روپیه به‌عنوان بودجه برنامه احیای درآمد برای خانه‌سازی.
۲	۲۰۰۵-۲۰۰۸	سمن خدمات توسعه اقدامات اقتصادی سارودیا	ایجاد یک جمعیت مسکن در هر سایت اسکان مجدد به‌مثابه گروهی برای اقدام متقابل و حمایتی، ایجاد برنامه‌های سرمایه‌گذاری خرد، ایجاد برنامه‌های درآمدزایی و فرصت‌های خوداشتغالی، باغداری خانگی و آموزش فرآوری مواد غذایی.
۳	۲۰۰۸-۲۰۱۱	واحد مدیریت پروژه	بهبود سطح درآمد خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده قاعده پادمانی است که در طرح اجرای اسکان مجدد گنجانده شده است.

بانک توسعه آسیایی در سال ۲۰۱۰ با انتخاب صد خانواده آسیب‌دیده، به‌عنوان خانواده فقیر، برای سنجش تأثیرات پروژه بر منابع درآمدی و معیشتی‌شان انتخاب نمود نتایج این بررسی به‌صورت تیتروار در زیر ارائه شده است.

- نیروی کار غیر کشاورز ماهر، غیر ماهرانه و نیز نیروی کار کشاورز، منابع اصلی برای جذب به بازار کار هستند.

- ۱۵ درصد از سرپرستان خانوار بیکار هستند.

- یک‌سوم (۳۴ درصد) از خانواده‌های فقیر در گروه بیکار یا سایر مشاغل (سالمندان از کار افتاده، دارای بیماری مزمن و غیر شاغل) دسته‌بندی شدند.

- با توجه به آستانه خط فقر در سال ۲۰۱۰، حدود ۲۲ درصد از خانوارها فقیر هستند.

- در طی هشت سال پس از جابه‌جایی فیزیکی و اسکان مجدد، سطح درآمدی ۸۷ درصد خانواده‌ها در مقایسه با سطح درآمدی‌شان پیش از پروژه، بهبود معنی‌داری یافته است.

- تعداد خانوارهایی که انشعاب برق داشتند در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۲ دو برابر شده بود.

- ۸۰ درصد خانواده‌ها در سال ۲۰۱۰، کالا و وسایل نقلیه برقی داشتند.

- ۹۸ درصد خانواده‌ها دسترسی آسان به بازارها و امکانات عمومی داشتند.

برای مشخص شدن تأثیرات اجتماعی محتمل و به‌منظور ایجاد یک بانک اطلاعاتی همه‌جانبه از اوضاع و شرایط اجتماعی نیاز به انجام یک اتای جامع است و اگر این احتمال وجود دارد که پروژه منجر به جابه‌جایی و نقل مکان

افراد می‌شود برای تعدیل این قبیل تأثیرات در افراد و خانواده‌هایی که از پروژه متأثر می‌شوند، داشتن طرحی برای اجرای اسکان مجدد ضروری است، طرحی که مبتنی بر بانک اطلاعاتی اتا بوده و برنامه‌ای قوی برای احیای درآمد آن را همراهی می‌کند. بسیاری از عناصر اصلی، خصوصاً بودجه کافی و ترتیب نهادی قدرتمند، غالباً در پروژه توسعه حمل‌ونقل جنوبی وجود نداشته است و همین امر، برنامه احیای درآمد را در این پروژه به شکست محکوم کرد. در زیر به شش مورد اشاره شده است که بخش جدایی‌ناپذیر در تعدیل تأثیرات منفی پروژه است:

این پروژه با تمرکز بر قطعات زمین تصرف‌شده فهرست ضرر و زیان تهیه کرده اما فهرست زمین‌هایی که مستقیماً از پروژه متأثر نمی‌شدند، پس اندازه‌های شخصی، مهارت‌های شغلی و شبکه حمایت‌های اجتماعی افراد تحت تأثیر پروژه مورد شناسایی قرار نگرفت. داشتن صورت‌بندی دقیق از قلمرو جامع اتا بخش اساسی در برنامه‌ریزی پروژه است. اگرچه برای این پروژه دو اتا انجام شده است اما نظام اطلاعات مدیریتی این پروژه ناقص بوده است، اشتباهاتی در ورودی داده‌ها، طبقه‌بندی‌شان و... به چشم می‌خورد.	بانک داده‌های اقتصادی اجتماعی
طرح اجرای اسکان مجدد از قاعده خاصی برای شناسایی و طبقه‌بندی خط فقر بهره نمی‌گیرد. این طرح نتوانست برم بنای رقم خط فقر رسمی آستانه فقر تثبیت‌شده را ایجاد کند؛ زیرا خط فقر در طی سال چند بار تغییر می‌کند امری که در این پروژه نادیده گرفته شد.	اندازه‌گیری فقر
با توجه به تعریف چندوجهی مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی، مفاهیم کلیدی در این پروژه نظیر، فقر، خانواده به‌شدت آسیب‌دیده و خانواده آسیب‌پذیر باید به شکل علمی تعریف شوند. نه در طرح اجرای اسکان مجدد و نه برنامه احیای درآمد قائل به چنین تمایزی نبودند.	تعریف مفاهیم کلیدی
طرح اسکان مجدد این پروژه در دو جلد تنظیم‌شده بود و سرشار از داده‌ها، اطلاعات، خلاصه سیاست مربوط به اسکان مجدد، قوانین و حقوق مربوط به زمین بود؛ اما طرح به دلیل اتای ناقص و نبود اطلاعات کلیدی و مهم با شکست مواجه شد.	برنامه عمل‌گرایانه برای اسکان مجدد
نبود کارکنان باتجربه برای اجرای طرح اسکان مجدد، از ضعف‌های این پروژه بود. بیشتر کارکنان پروژه فکر می‌کردند که پرداخت غرامت نقدی حد پایانی اسکان مجدد است. بانک توسعه آسیایی مأموران و دستیارانی را تربیت کرده که به افراد متأثر از پروژه کمک کنند تا درباره بسته‌های جبران خسارت و خصوصاً بسته کمک به اسکان مجدد مذاکره و چانه‌زنی کنند.	حمایت نهادی
به دلیل آسیب و رنج روان‌شناختی حاصل از جابه‌جایی و آوارگی، بسیاری از خانواده‌ها در فعالیت‌های مربوط به برنامه احیای درآمد شرکت نکردند. دارایی از دست‌رفته، زمین‌ها، شبکه اجتماعی و منابع درآمد مانع از آن شده بود که بتوانند در سایت جدید اجتماع خود را بازسازی یا در اجتماع میزبان ادغام شوند.	مشاوره برای افراد متأثر از پروژه

فصل سیزدهم مراحل آماده‌سازی طرح‌های اقدام برای اسکان مجدد را شرح داده است، طرحی که بر مبنای ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه تهیه می‌شود. برنامه اسکان مجدد تا حد زیادی ناشناخته است و آژانس‌های توسعه هر کدام به شیوه خاصی به مسائل مرتبط با این برنامه برخورد می‌کردند و برای هر

پروژه راهنمای خاصی را منتشر می‌کردند. به تدریج راهنماهای خاص و جداگانه برای هر پروژه جای خود را به سیاست‌هایی داد که به یک بخش خاص تعلق داشتند و در تمام پروژه‌های آن بخش کاربرد داشت.

کمک به بهبود و بازسازی زندگی پیشین، بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای، به افراد یا گروه‌هایی که زمین، اسباب معیشت و دیگر منابعشان را از دست داده‌اند هدف اصلی طرح اسکان مجدد است. مکانیسم دستیابی به این سیاست، پرداخت غرامت بابت دارایی، اسباب معیشت و درآمد از دست‌رفته؛ کمک به نقل مکان و کمک به اسکان مجدد است که در سطح کلی منجر به بهبود یا دست‌کم احیای پایه‌های اقتصادی و اجتماعی کسانی می‌شود که به مکان دیگری منتقل شده‌اند.

برنامه اسکان مجدد باید در مراحل آغازین آماده‌سازی پروژه انجام شود. این طرح بر مبنای یافته‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی تهیه می‌شود. لازم به ذکر است که این داده‌ها باید دقیق و قابل اعتماد باشد زیرا خوبی و تناسب این طرح، به اطلاعات و داده‌هایی وابسته است که مبنای شکل گرفتن آن طرح است؛ زیرا تجربه نشان داده تنها دلیل شکست مؤلفه‌های اسکان مجدد در پروژه‌های توسعه، آماده‌سازی ضعیف طرح است. همان‌طور که در فصول قبل هم اشاره شده، طرح‌های اسکان مجدد هم به داده‌های اولیه و هم داده‌های ثانویه تکیه دارد. در واقع برنامه‌ریزان پروژه باید اطلاعات روزآمد و مرتبط را مستقیماً از طریق پیمایش و بررسی‌های میدانی جمع‌آوری کنند و در کنار این داده‌های موجود استفاده نمایند.

طرح‌های اسکان مجدد گستره کاملی را از تأثیرات منفی (از دست دادن زمین، املاک و دارایی‌های منقول) پروژه را ارزیابی می‌کند؛ اصول و قواعد راهنما برای تعدیل چنین زیان‌هایی را به‌صراحت اعلام می‌کند؛ افراد تحت تاثیر پروژه را بر اساس آنچه از دست دادند دسته‌بندی می‌کند و حق و حقوق خاصی را که برای کمک و جبران خسارت هر یک از دسته‌ها لازم است مشخص می‌کند؛ اقدامات لازم را برای تسهیل نقل مکان و تضمین احیای درآمد مردم شرح می‌دهد؛ و مسئولیت‌ها را در امر مدیریت اسکان مجدد و پایش پیشرفت آن مشخص می‌کند. در جدول زیر، ترتیبی برای مراحل انجام طرح‌های اسکان مجدد پیشنهاد شده است:

مقدمه‌ای بر پروژه	ارائه توصیف مختصری از پروژه، توصیف آن دسته از اجزا و مؤلفه‌ها که احتمالاً به آوارگی و اسکان مجدد منجر خواهند شد، شرحی از جنبه‌های کلی پروژه (تأثیرات مثبت و منفی)، اهداف پروژه
به حداقل رساندن آوارگی و اسکان مجدد	با برنامه‌ریزی دقیق می‌توان جلوی بسیاری از جابه‌جای فیزیکی را گرفت یا آن‌ها را کاهش داد
تصرف اراضی و تأثیرات پروژه	پیمایش نحوه تملک اراضی باید در اولین زمان ممکن انجام شود، به نحوی که برنامه‌ریزان زمان کافی برای تهیه طرح اسکان مجدد را داشته باشند. ارزیابی تصرف زمین می‌تواند با ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام شود. پیمایش نحوه تملک اراضی برای شناخت مالکان و مقدار زمینی که از دست خواهند داد، ضروری است. ضرر و زیان وارده بر اموال و دارایی مشترک (منابع مشترک دارایی، ساختمان‌های عمومی، اموال و دارایی‌های فرهنگی و زیرساخت‌ها) باید به شکل جداگانه ثبت شود.
سرشماری و پیمایش‌های اجتماعی - اقتصادی	این مرحله گام مهمی در فرایند آماده‌سازی طرح اسکان مجدد است. در این بخش باید فهرست کاملی از تمام افراد متأثر از پروژه و دارایی آن‌ها تهیه شود.
انتشارات اطلاعات، مشورت، رویکرد مشارکتی و الزامات افشای اطلاعات	به اشتراک گذاشتن اطلاعات، مشورت با مردم متأثر از پروژه، روش‌های تحریک و ترغیب به مشارکت (با استفاده از پویش‌ها و کمپین‌ها و...) و الزام به افشای اطلاعات در پروژه‌های درگیر جابه‌جایی اجتماع محلی باید ساختار یافته و نظام‌مند باشد. روند مشورت با مردم متأثر از پروژه نباید به مرحله پایانی برنامه‌ریزی ختم شود بلکه باید در مراحل اجرا، پایش و سنجش کار نیز تداوم داشته باشد.
رسیدگی به شکایات	هر جا کار برنامه‌ریزی و اجرای اسکان مجدد با مشارکت مردم متأثر از پروژه انجام شود، عملاً فضایی را برای شکایت باقی نمی‌گذارد اما طرح اسکان مجدد باید تمهیداتی لازم برای ایجاد روند رسیدگی به شکایات فراهم کند.
سیاست و چارچوب قانونی	در هند هیچ سیاست و قانونی در ارتباط با اسکان مجدد در هند وجود نداشت اما در سال ۲۰۱۳ قانون حق جبران عادلانه خسارت و شفافیت در مسائل مربوطه به تصرف زمین، توان بخشی و اسکان مجدد را منتشر کرده است.
معیار سنجش شایستگی و واحدی که واجد حق و حقوق است	عموماً معیارهایی چون مالکیت زمین و میزان و شدت تأثیرات برای تعیین شایستگی‌ها و حق و حقوق مرتبط با اسکان مجدد مورد استناد قرار می‌گیرند.
ماتریس حقوق	با توجه به اینکه هر یک از افراد متأثر از پروژه چه چیزی را از دست می‌دهند و چه حق و حقوقی دارند، آن‌ها را در دسته‌های مختلفی قرار می‌دهند و از این دسته‌بندی به عنوان مبنایی برای تهیه ماتریس حقوق بهره می‌گیرند. در این ماتریس انواع ضرر و زیان به همراه تعیین فرد صاحب حق و مزایای حقوقی او فهرست شده است.
برآورد ارزش دارایی‌های ازدست‌رفته و پرداخت غرامت	روشی که در این برآورد به کار می‌رود باید به روشنی توصیف شود. برآورد ارزش دارایی باید منطبق با هزینه جایگزین کردنشان باشد.
پرداخت غرامت و کمک به اسکان مجدد	در حالت ایده‌آل جبران خسارت از دست‌رفته باید به قیمت روز پرداخته شود به نحوی که فرد آسیب‌دیده چه با کمک مدیریت پروژه هم بدون آن بتواند دارایی ازدست‌رفته را با چیز قابل‌مقایسه‌ای از بازار جایگزین کند.

تا جایی که ممکن است باید از نقل مکان جلوگیری کرد. اگر این امکان مهیا نشد، افراد آسیب دیده باید یکی از سه گزینه نقل مکان (نقل مکان در محدوده پروژه، نقل مکان شخصی و یا نقل مکان به سایت اسکان مجدد) را انتخاب نمایند.	نقل مکان
طرح اسکان مجدد باید اقداماتی برای بهبود با احیای درآمد پس از جابه جایی شناسایی کند. برای حصول اطمینان نسبت به احیای درآمد از یکی رویکردهای پول محور، زمین محور، شغل محور یا کسب و کار محور تبعیت کرد.	احیای درآمد
هزینه های احتمالی باید به طور دقیق تخمین زده شود. همچنین باید تمهیدات کافی برای حوادث و رخداد های فیزیکی و قیمتی اندیشیده شود. بودجه باید منابع سرمایه گذاری و جریان گردش وجوه را به صورت شفاف توضیح دهد.	بودجه و هزینه اسکان مجدد
در مرحله اجرای پروژه، فعالیت های اسکان مجدد باید با زمان بندی احتمالی کارهای عمرانی هماهنگ باشند. به همین دلیل برنامه اجرای اسکان مجدد باید تنها پس از پایان طراحی تفصیلی مهندسی پروژه صورت گیرد.	برنامه ی اجرا
باید از آغاز کار، ظرفیت نهادی موجود ارزیابی و از این که طرح اسکان مجدد حین مرحله ی اجرا با مشکل یا مانعی مواجه نخواهد شد، اطمینان حاصل کرد.	چهار چوب نهادی برای اسکان مجدد
این مرحله برای مدیریت عملیات اسکان مجدد، حائز اهمیت است. نظارت و پایش با فراهم کردن امکان بررسی دوره ای کار، این اطمینان را ایجاد می کند که فعالیت اسکان مجدد با طرح همسو هستند یا خیر.	سنجش و نظارت

در انتها، مهم است به خاطر داشته باشیم که طرح اقدام برای اسکان مجدد سندی ثابت و تغییرناپذیر نیست. حتی برنامه هایی که با بیشترین دقت طراحی شده، چنانچه خورد را با تغییرات سازگار نکنند، نمی تواند به اهدافش دست یابد. همچنین فهرست کلیه افراد متأثر از پروژه، کپی سرشماری، ابزار پیمایش، قالب مصاحبه و دیگر ابزار پژوهش، اطلاعیه ها و برنامه های جلسات عمومی، مدت زمان جلسات و فهرست حاضر از قالبها در هنگام نظارت بر اجرای طرح اقدام برای اسکان مجدد و گزارش دهی در خصوص آن باید به عنوان سند طرح اسکان مجدد پیوست شود.